

حق توسعه و استفاده صلح‌آمیز کشورها از دانش هسته‌ای در حصار دکترین امنیتی: از دکترین بیجن در عملیات اُبرا تا دکترین کارولین در عملیات چکش نیمه‌شب

ولی‌اله نصیری • دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.
valinasiri58@yahoo.com
صالح رضایی پیش‌رباط • دانشیار، پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
srezaei@aeoi.org.ir
حجت سلیمی ترکمانی • دانشیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.
salimi@azaruniv.ac.ir

چکیده

کشورهای عضو پیمان منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT) این حق را دارند که از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز - در صورت عمل به تعهدات خود - استفاده کنند. این جستار که با روش توصیفی تحلیلی سامان یافته، به دنبال پاسخ به این پرسش است که چرا علی‌رغم پابندی جمهوری اسلامی ایران به پیمان مذکور و موافقت‌نامه پادمان، تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران مورد حمله نظامی قرار گرفت؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که صحبت از حق فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای و امنیت تأسیسات هسته‌ای با وجود تفسیر موسع از استثنائات توسل به زور و تفسیری مغایر با اهداف ماده ۴ پیمان منع اشاعه، به بهانه عدم اشاعه و مهم‌تر از همه، به دلیل بی‌کیفرمانی تجاوزگران بسیار دشوار است. اعمال محدودیت بر فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای غیرهسته‌ای و توسل به اقدامات نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای، به استناد دفاع مشروع پیشگیرانه در راستای دکترین عدم گسترش، این ایده را تقویت می‌کند که حق بر انرژی هسته‌ای حقی محصور در دکترین امنیت هسته‌ای بوده (دکترین بیجن، کارولین و بوش)، و همواره با تهدیدهای مستمر و خطرات قریب‌الوقوع نظامی مواجه است.

واژگان کلیدی: انرژی هسته‌ای، تأسیسات هسته‌ای، حقوق بشردوستانه، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.



مقدمه

مسأله جلوگیری از گسترش فناوری‌های حساس هسته‌ای برای اولین بار توسط فیزیکدان «لئو زیلارد»^۱ در سال ۱۹۳۹، شش سال قبل از اولین آزمایش سلاح هسته‌ای در نیومکزیکو، ایالات متحده، و ۱۵ سال قبل از راه‌اندازی اولین نیروگاه هسته‌ای در «اوبنینسک»^۲، اتحاد جماهیر شوروی، مطرح شد. اندکی پس از آن، ایده‌هایی در مورد کنترل بین‌المللی بر انرژی هسته‌ای و عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز توسط «نیلز بور»^۳ پیشنهاد و ترویج شد. در سال ۱۹۴۶، یک کمیته آمریکایی به ریاست «دین آچسون»^۴ و «دبویید لیلینتال»^۵ گزارشی در مورد روش‌های ممکن برای کنترل بین‌المللی سلاح‌های هسته‌ای و اجتناب از جنگ هسته‌ای در آینده را مورد بحث قرار داد. این طرح بعد از اصلاحاتی توسط «رنارد باروخ»^۶، به سازمان ملل ارائه شد اما توسط اتحاد جماهیر شوروی رد شد. طرح «اتم برای صلح» ایجاد یک آژانس بین‌المللی را پیشنهاد کرد. در ۲۳ اکتبر ۱۹۵۶، اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به اتفاق آرا در کنفرانس ویژه‌ای که در نیویورک با مشارکت ۸۱ کشور برگزار شد، تصویب شد. طبق اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۷ لازم‌الاجرا شد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سه «ستون» (حوزه کاری) اصلی دارد: به کشورها کمک می‌کند تا ایمنی و امنیت هسته‌ای خود را ارتقا دهند، به کشورها در توسعه کاربردهای علوم و فناوری هسته‌ای کمک می‌کند و از مواد هسته‌ای برای تأیید عدم استفاده از آن‌ها برای اهداف نظامی، محافظت می‌کند. مذاکرات در مورد پیمان چندجانبه عدم اشاعه (گسترش) سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۶۸) در سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۶۸ در نیویورک و ژنو انجام شد. «ان.پی.تی» در ۱ ژوئیه ۱۹۶۸ توسط دولت‌ها امضا و در ۵ مارس ۱۹۷۰ لازم‌الاجرا شد. پیمان چندجانبه عدم اشاعه (گسترش) سلاح‌های هسته‌ای دارای سه ستون اساسی شامل حق توسعه صلح‌آمیز هسته‌ای، امنیت تأسیسات هسته‌ای و عدم استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف نظامی است. لذا هرگونه تلاش برای پیشبرد اهداف این پیمان مهم باید با توجه به رعایت توازن در هر سه هدف این پیمان از جمله استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای باشد. استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای نقش مهمی در پیشرفت علمی، فناوری و اجتماعی-

¹.Leo Szilard.

².Obninsk.

³.Nils Bohr.

⁴.Dean Acheson.

⁵. David Lilienthal.

⁶. Bernard Mannes Baruch.

اقتصادی کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند. تمام کشورها از جمله ایران طبق ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای یا به اختصار «ان.پی.تی.^۱» از حق ذاتی و غیرقابل انکار برای توسعه فناوری هسته‌ای در جهت اهداف صلح‌آمیز برخوردارند. بند یک ماده ۴ نه تنها به تمامی کشورهای عضو اجازه می‌دهد که از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز استفاده کنند، بلکه در بند ۲ همین ماده کشورهای دارای فناوری هسته‌ای را نیز موظف به همکاری با دیگر کشورها برای انتقال دانش و فناوری هسته‌ای می‌کند. استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای یکی از حقوق مُسلم و غیرقابل انکار کشورهای عضو این معاهده است. بند یک ماده ۴ این معاهده به‌وضوح بیان می‌کند که تمامی کشورهای عضو، بدون تبعیض از حق تحقیق، توسعه، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز برخوردارند. در این معاهده، هیچ تفکیکی بین بخش‌های مختلف چرخه سوخت برای استفاده از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز دیده نمی‌شود. بنابراین، حق استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز، علاوه بر اینکه شامل تمامی مراحل چرخه سوخت هسته‌ای از جمله غنی‌سازی اورانیوم می‌شود، بلکه شامل امنیت فیزیکی تأسیسات هسته‌ای در برابر هرگونه خرابکاری، حملات سایبری و حملات نظامی نیز می‌شود. در راستای این ماده، اسناد نهایی کنفرانس‌های بازنگری «ان.پی.تی.» در سال‌های ۱۹۸۵، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ تأیید و تأکید کرده‌اند که انتخاب‌ها و تصمیمات هر کشور در زمینه استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای باید مورد احترام و حمایت قرار گیرد. حق کشورها «شامل حق غیرقابل انکار برای توسعه چرخه کامل سوخت هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز است» (UN, 2020, para.8). هرگونه اقدام برای محدود کردن یا محروم کردن کشورها از این حق مُسلم، مغایر با ماده چهارم این معاهده خواهد بود. اجرای اقدامات برای دستیابی به هدف عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای به هیچ وجه بر حق مُسلم کشورهای عضو «ان.پی.تی.» برای توسعه تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای، از جمله حق حاکمیتی برای توسعه یک چرخه کامل سوخت هسته‌ای ملی، برای اهداف صلح‌آمیز، بدون تبعیض و مطابق با تعهدات آن‌ها تحت توافق جامع پادمان خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تأثیر نخواهد گذاشت. همان‌طور که در معاهده تصریح شده و به‌طور مقتضی در کنفرانس‌های بازنگری، به‌ویژه در سند نهایی کنفرانس بازنگری سال ۲۰۰۰ ذکر شده است، پادمان‌های مورد نیاز طبق ماده ۳ باید به گونه‌ای اجرا شوند که با ماده ۴ معاهده مطابقت داشته باشند و از ایجاد مانع در

1. Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons.

بوده و فاقد سیگنال‌های سنتی پیش‌بینی حمله قریب‌الوقوع می‌باشند، استفاده از زور را تحت دفاع پیشگیرانه و پیشدستانه ضروری می‌سازد (Bowett, 1999; Gross, 1960: 199; Schachter, 1989: 259; 294: 2014). مذاقه در عناوین برخی پژوهش‌های صورت گرفته نیز نشان از رفتار خصمانه با برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران حتی در آثار برخی نویسندگان دارد (Sigal, 1998:76; Albright & Hinderstein, 2003: 52-58; Fallows, 2004: 99-110; Timmerman, 2005: 66-67).

- روش پژوهش: این پژوهش با روش استنباطی، تفسیری و استدلالی با بهره‌گیری از روش اسنادی و رجوع گسترده به اسناد بین‌المللی نظیر پروتکل‌های الحاقی اول و دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و اصلاحیه ۲۰۰۵ آن، کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای (۱۹۸۰)، قطعنامه‌های شورای امنیت، قطعنامه‌های کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌منظور بررسی نقض حق بر انرژی هسته‌ای تحت دکتترین امنیتی، صورت گرفته است.

۱. حق توسعه و استفاده صلح‌آمیز کشورها از دانش هسته‌ای در اسناد بین‌المللی

معاهده «ان.پی.تی» یک قرارداد بین‌المللی مهم است که هدف اصلی آن خلع سلاح هسته‌ای در کنار عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و تلاش برای توسعه انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز است. چیزی که روشن است جامعه جهانی در خلع سلاح هسته‌ای و یا کاهش تعداد سلاح‌های هسته‌ای موفق نبوده است (Lee & Nacht, 2020: 110; Dunn, 2019: 5). در مورد حق توسعه و استفاده صلح‌آمیز کشورها از دانش هسته‌ای نیز شاهد شکل‌گیری تفسیر مضیق از بند ۱ ماده ۴ هستیم. این در حالی است که از منظر هنجاری^۱ حق بهره‌مندی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای نه تنها در معاهده «ان.پی.تی» بلکه در نظام حقوق بین‌الملل عام و اسناد مکمل و تفسیری متعدد (اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قطعنامه مجمع اتحادیه بین‌المجالس، قطعنامه کمیته انجمن حقوق بین‌الملل راجع به سلاح‌های هسته‌ای) نیز مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است داده‌اند (حسن بیگی و حسینی، ۱۳۹۳: ۷۵-۱۰۲؛ بابایی، ۱۳۹۴:

1. Normative.

۵۲-۳۳؛ شناسایی، ۱۳۹۶: ۱-۲۰). در واقع، این حق به صورت تدریجی به یک هنجار پذیرفته شده^۱ تبدیل شده است.

۱.۱ قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد

اولین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد که ۷۹ سال پیش در ۲۴ ژانویه ۱۹۴۶ تصویب شد، به دنبال «حل مساله انرژی اتمی» بود. به طور خاص، قطعنامه (I) مجمع عمومی، کمیسیون انرژی اتمی سازمان ملل را ایجاد کرد و آن را موظف به ارائه پیشنهادهایی برای «حذف سلاح‌های اتمی از تسلیحات ملی» و استفاده از انرژی اتمی «فقط برای اهداف صلح‌آمیز» کرد (UN GA Res, 1946: 211). دانشمندان، محققان، حقوق‌دانان و سیاست‌گذاران این قطعنامه را به عنوان یک لحظه تاریخی در تلاش جامعه جهانی برای شکل‌گیری حقوق بین‌الملل هسته‌ای می‌پندارند، تلاشی که خود منجر به شناسایی حق بر انرژی هسته‌ای در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای موسوم به «ان.پی.تی» در سال ۱۹۶۷ و ممنوعیت کامل سلاح‌های هسته‌ای در پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای موسوم به «تی.پی.ان.وی»^۲ در سال ۲۰۱۷ گردید. مجمع عمومی هم‌چنین در قطعنامه‌های مختلفی همچون قطعنامه ۲۳۴۶ مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۶۷، ۲۱۵۳ مورخ ۱۷ نوامبر ۱۹۶۶، ۲۱۴۹ مورخ ۴ نوامبر ۱۹۶۶، ۲۰۲۸ مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۶۵ و ۱۶۶۵ مورخ ۴ دسامبر ۱۹۶۱، ۲۳۷۳ مورخ ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ و قطعنامه ۴۱/۷۹ مورخ ۲۰۲۴ در کنار جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای بر لزوم تشدید همکاری‌های بین‌المللی جهت توسعه کاربردهای صلح‌آمیز انرژی اتمی تأکید کرده است. با توجه به تأکید قطعنامه‌های مجمع عمومی بر حق لاینفک دولت‌ها در بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی اتمی و ضرورت همکاری‌های بین‌المللی در این حوزه، هرگونه حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای در تعارض آشکار با موازین حقوق بین‌الملل هسته‌ای و قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر حمایت از کاربردهای صلح‌آمیز انرژی اتمی قرار دارد.

۱.۲ قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد

شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در قطعنامه‌های ۹۸۴ (۱۹۹۵)، ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷

1. Accepted Norm.

2. Treaty on the Prohibition of Nuclear Weapons.

(۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) و ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) در کنار تأکید بر تعهد دولت‌ها جهت منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، بر حق کشورهای عضو «ان.پی.تی»، برای توسعه تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز بدون تبعیض تأکید کرده است. جالب اینکه حتی در قطعنامه‌هایی که شورای امنیت همسو با کشورهای غربی خواستار محروم‌سازی جمهوری اسلامی ایران از همه فعالیت‌های هسته‌ای شده است، شورا برحق کشورهای عضو معاهده «ان.پی.تی» مطابق با بندهای ۱ و ۲ آن را برای توسعه و تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای با اهداف صلح‌آمیز و بدون تبعیض تأکید کرده است. برای نمونه شورای امنیت در قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ که همگی آن‌ها تحت فصل هفتم منشور ملل متحد صادر شده و در آن‌ها از ایران در خواست شده که فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و پروژه آب سنگین را تعلیق کند، در مقدمه همه فقطعنامه‌های فوق مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو براساس مواد یکم و دوم پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای برای تحقیق، توسعه، تولید و بکارگیری انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز حق دارند». تأکید مکرر شورای امنیت بر «حق لاینفک» دولت‌ها در توسعه و بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای ذیل معاهده «ان.پی.تی» در تمامی قطعنامه‌ها، مبنایی حقوقی فراهم می‌آورد که حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای نه تنها تعرض به امنیت بین‌المللی می‌باشد، بلکه اقدامی غیرقانونی در جهت سلب «حق بنیادین» کشورهای عضو برای توسعه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای تلقی می‌گردد.

۱.۳. اساسنامهٔ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

مطابق ماده ۲ اساسنامهٔ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توسعه سهم انرژی اتمی در جهت صلح، سلامت و سعادت بشر از مقاصد آژانس ذکر شده است. بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ از قسمت «الف» ماده سوم اساسنامهٔ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأمین وسائل تحقیق درباره انرژی اتمی و توسعهٔ آن و استفادهٔ عملی از انرژی اتمی را در مقاصد غیرنظامی و از جمله تولید نیروی برق با توجه لازم به احتیاجات نواحی عقب‌مانده جهان را مورد شناسایی قرار داده و بر تشویق و تسهیل مبادله اطلاعات علمی و فنی را جهت استفاده از انرژی اتمی در مقاصد غیر نظامی تأکید کرده است (The Statute of the IAEA, 1956). مطابق بند «پ» ماده سوم اساسنامهٔ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، کمکی که آژانس ضمن انجام وظایف خود به اعضای خود در زمینهٔ تحقیق، توسعه، تولید و استفاده

عملی از انرژی اتمی برای مقاصد غیر نظامی می‌کند، مقید به هیچ شرط سیاسی و اقتصادی و نظامی یا هر شرط دیگری که مغایر با مقررات این اساسنامه باشد، نخواهد بود.

۱.۴. معاهده «ان.پی.تی»

بند یک ماده ۴ «ان.پی.تی» به همه کشورهای عضو اجازه می‌دهد که از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز استفاده کنند. استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای به عنوان حق مسلم و غیرقابل انکار در این معاهده توصیف شده است. بند یک و دو ماده ۴ «ان.پی.تی» بر روی ۴ عبارت «صلح‌جویانه (مقاصد غیرنظامی)»، «بدون تبعیض»، «رعایت ضوابط پادمان‌ها، نظارت‌ها و تعهدات» استوار بوده و به وضوح بیان می‌کند که تمامی کشورهای عضو، بدون تبعیض از حق تحقیق، توسعه، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز طبق مقررات مواد ۱ و ۲ پیمان حاضر برخوردارند (NPT, 1968: art.4). به موجب ماده ۴ هیچ یک از مقررات این معاهده نباید به نحوی تفسیر گردد که مانع از حق مسلم کشورهای عضو برای برخورداری از این حق گردد. شناسایی حق تحقیق، توسعه، تولید و استفاده عملی از انرژی اتمی برای مقاصد صلح‌آمیز موجب پیوستن کشورهای در حال توسعه به معاهده «ان.پی.تی» گردد. با توجه به اینکه ماده ۴ معاهده «ان.پی.تی»، بهره‌مندی از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز را حقی مسلم و غیرقابل انکار برای تمامی اعضاء و بدون تبعیض می‌داند، هرگونه حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای، نه تنها تعرض به زیرساخت‌های حیاتی کشورها است، بلکه اقدامی در جهت نقض عینی و سلب قهری این «حق مسلم» محسوب می‌شود که مغایر با فلسفه تشکیل و روح حاکم بر این معاهده است.

۱.۵. قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از جمله قطعنامه‌های ۲۷، ۴۰۷، ۴۴۴، حق همه ملت‌ها را برای توسعه انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز، از جمله سهم آن در صلح، سلامت و رفاه را مورد تأیید و تأکید قرار داده‌اند. قطعنامه ۴۰۷ در بند «الف» مقرر می‌دارد: «هدف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی «تلاش برای تسریع و افزایش سهم انرژی اتمی در صلح، سلامت و رفاه در سراسر جهان» است». بند «ب» قطعنامه ۴۰۷ نیز مقرر می‌دارد: «آژانس باید، توسعه استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی اتمی را ارتقا دهد و در مورد آن تصمیم‌گیری کند» (GC RES, 1983: para.B).

نهایتاً بند «و» مقرر می‌دارد: «تمام حملات مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای اختصاص داده شده به اهداف صلح‌آمیز باید صریحاً ممنوع شود». با توجه به تصریح قطعنامه ۴۰۷ کنفرانس عمومی آژانس مبنی بر مأموریت این نهاد برای ارتقای سهم انرژی اتمی در رفاه جهانی و ممنوعیت صریح هرگونه حمله مسلحانه به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای، چنین تهاجمی نقض مستقیم وظیفه حمایتی آژانس و تعرض به «حق بنیادین» کشورها در بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای محسوب می‌شود.

۱.۶. قطعنامه‌های سازمان بهداشت جهانی

از آنجایی که در پزشکی هسته‌ای، از مواد رادیو ایزوتوپ برای شناسایی و تشخیص و درمان بیماری‌ها در سطح سلولی و مولکولی، تشخیص سریع مراکز عفونی در بدن، تصویرگری بیماری‌های قلبی، تشخیص عفونت‌ها و التهاب مفصلی، آمبولی و لخته‌های وریدی، تشخیص کم خونی یا سندرم اختلال در جذب ویتامین B۱۲ و جداسازی فلزات سنگین از گیاهان دریایی، استفاده می‌شود (منتظری‌مقدم، کوچ‌نژاد و رامین‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۷۹)، هیأت اجرایی سازمان بهداشت جهانی در قطعنامه EB17.R57 مصوب بیست و یکمین جلسه خود در ۳۱ ژانویه ۱۹۵۶ و مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی در قطعنامه WHA8.34 بر حق همه کشورها در مورد استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی اتمی به‌ویژه کاربرد انرژی اتمی در پزشکی و امور بهداشتی تأکید کرده است (WHO, 1956: 1). حمله‌ی نظامی به تأسیسات هسته‌ای، با سلب امکان بهره‌برداری از رادیوایزوتوپ‌های حیاتی در حوزه‌های تشخیص و درمان پزشکی، مستقیماً حق بنیادین ملت‌ها برای دستیابی به سلامت عمومی و رفاه بشری را، که در قطعنامه‌های EB17.R57 و WHA8.34 بر آن تأکید شده، نقض می‌کند.

۱.۷. قطعنامه مجمع اتحادیه بین‌المجالیس

مجمع اتحادیه بین‌المجالیس در قطعنامه‌های متعدد از جمله قطعنامه مصوب صد و بیستمین مجمع در آدیس آبابا مورخ ۱۰ آوریل ۲۰۰۹ ضمن تأکید بر اهمیت حیاتی «ان.پی.تی» به‌عنوان سنگ بنای رژیم عدم اشاعه و خلع سلاح هسته‌ای، که تعهدات قانونی دولت‌ها را در این زمینه‌ها تعیین می‌کند و همزمان حق توسعه انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز را تضمین می‌کند، بر نقش حیاتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ارتقای همکاری هسته‌ای، انتقال فناوری هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز به کشورهای در حال توسعه تأکید کرده است (IPU, 2009). بند شش قطعنامه

شماره ۲۵ اتحادیه بین‌المجالس (مصوب ۱۱۵ مین مجمع اتحادیه بین‌المجالس در ۱۸ اکتبر ۲۰۰۶) مقرر می‌دارد: «تلاش برای جلوگیری و مهار گسترش سلاح‌های هسته‌ای و سایر سلاح‌های کشتار جمعی نباید به گونه‌ای تفسیر شود که حق کشورها را برای توسعه انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز محدود یا ممنوع کند» (IPU, 2006: 47). حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، با سلب امکان بهره‌برداری از فناوری‌های صلح‌آمیز، برخلاف صراحت قطعنامه ۲۵ اتحادیه بین‌المجالس است که تأکید می‌کند تلاش برای مهار گسترش سلاح‌های هسته‌ای نباید حق توسعه انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز را محدود یا ممنوع سازد.

۱.۸. قطعنامه پارلمان اروپا

قطعنامه پارلمان اروپا در مورد رویارویی بین ایران و جامعه بین‌المللی در مقدمه خود حق مسلم همه طرف‌های پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای برای توسعه تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز بدون تبعیض و مطابق با مواد اول و دوم این پیمان را مورد تأکید قرار داده است (EP, 2006). شورای اتحادیه اروپا، در تصمیم شماره ۲۱۲ مورخ ۲۹ مارس ۲۰۱۰ حق توسعه و استفاده صلح‌آمیز کشورها از دانش هسته‌ای را مورد شناسایی قرار داده است (EC, 2010: para.1). قطعنامه‌های اتحادیه اروپا اگرچه هنجار منطقه‌ای بشمار می‌روند اما از آنجا که اروپا و آمریکا در هدف مهار برنامه هسته‌ای ایران هم‌راستا هستند و یک هدف را از دو مسیر متفاوت دنبال می‌کنند و قطعنامه پارلمان اروپا به برنامه هسته‌ای ایران مربوط می‌شود در اینجا ذکر گردید.

۱.۹. برنامه اقدام مشترک یا برجام

توافقنامه موقت ژنو با نام رسمی برنامه اقدام مشترک یا برجام که در سال ۱۳۹۴ میان ایران و کشورهای ۵+۱ امضا شد به‌عنوان یک توافق چندجانبه در بند iv و vii مقدمه خود حق توسعه و استفاده صلح‌آمیز کشورها از دانش هسته‌ای را مورد شناسایی و تأیید قرار داده است. مطابق بند «iv» بخش مقدمه، اجرای موفقیت‌آمیز برجام ایران را قادر خواهد ساخت تا به‌طور کامل حق خود برای انرژی هسته‌ای جهت مقاصد صلح‌آمیز را طبق مواد ذی‌ربط معاهده عدم اشاعه هسته‌ای و هم‌سو با تعهداتش در آن سند اعمال کند. بند xiii سوم از بخش A صراحتاً مقرر می‌دارد: «ایران به انجام تحقیق و توسعه غنی‌سازی به شیوه‌ای که منجر به انباشت اورانیوم غنی‌شده نشود،

ادامه خواهد داد» (JCPOA, 2015: para.a). همان‌طور که برخی حقوق‌دانان داخلی اشاره کرده‌اند، برجام با ایجاد توازن میان حق و تکلیف در کنار شناسایی حق توسعه انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز به دنبال منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز بود (موسوی‌زنوز، خزایی و سلیمانی، ۱۳۹۹: ۵۳). از آنجا که هدف بنیادین برجام ایجاد ثبات و تضمین حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای است، هرگونه حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران، نه تنها زیرساخت‌های فنی برای دستیابی به این حق را متلاشی می‌کند، بلکه با روح حاکم بر این توافق که به دنبال جلوگیری از تقابل نظامی و تضمین امنیت فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز است، در تضاد کامل قرار دارد.

۱.۱۰. قطعنامه کمیته انجمن حقوق بین‌الملل راجع به سلاح‌های هسته‌ای

انجمن حقوق بین‌الملل (ILA) از طریق کمیته‌های تخصصی خود، پیش‌نویس‌های اصولی^۱ و قطعنامه‌هایی را تهیه می‌کند که اغلب تأثیر زیادی بر توسعه حقوق بین‌الملل دارند. قطعنامه ۲۰۲۰/۵ کمیته انجمن حقوق بین‌الملل راجع به سلاح‌های هسته‌ای، عدم اشاعه و حقوق بین‌الملل معاصر که بر جنبه‌های حقوقی خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه تمرکز دارد، در بند «ب» بر حق توسعه تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز بدون تبعیض تأکید کرده است (ILA, 2020). مطابق قطعنامه ۲۰۲۰/۵ کمیته انجمن حقوق بین‌الملل راجع به سلاح‌های هسته‌ای، عدم اشاعه باید با رعایت حق توسعه فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای صورت بگیرد. حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، با هدف سلب امکان توسعه فعالیت‌های علمی و فنی، مستقیماً با حق غیرتبعیض‌آمیز بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز و رفاه بشری، که در قطعنامه ۲۰۲۰/۵ کمیته انجمن حقوق بین‌الملل (ILA) بر آن تأکید شده است، در مغایرت قرار دارد.

۲. ابعاد حق توسعه و استفاده صلح‌آمیز کشورها از دانش هسته‌ای

حق توسعه و استفاده صلح‌آمیز کشورها از دانش هسته‌ای مستند بر ماده ۴ معاهده ان.پی.تی، شامل اختیار دولت‌ها برای راه‌اندازی فعالیت‌های هسته‌ای از مرحله طراحی تا بهره‌برداری از تأسیسات هسته‌ای است. این حق هم‌چنین بر چرخه سوخت هسته‌ای از جمله غنی‌سازی،

1. Draft Principles.

فرآوری و تبدیل مواد مشروط بر رعایت پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأکید دارد. افزون بر موارد فوق کشورها حق دارند اطمینان حاصل نمایند که تأسیسات هسته‌ای آن‌ها به‌عرصه نبرد تبدیل نخواهد شد. حق مصونیت هم‌چنین شامل امنیت فیزیکی تأسیسات هسته‌ای در برابر هرگونه سرقت مواد هسته‌ای، خرابکاری، حملات نظامی یا اقدامات تروریستی نیز می‌باشد.

۱.۲. حق راه‌اندازی فعالیت‌های هسته‌ای (طراحی، ساخت و بهره‌برداری)

بی‌تردید شناسایی یک حق مستلزم شناسایی لوازم آن حق نیز می‌باشد. حق بر انرژی هسته‌ای با خود حق راه‌اندازی فعالیت‌های هسته‌ای (طراحی، ساخت و بهره‌برداری) را به‌همراه دارد. راه‌اندازی «فرآیندی است که از طریق آن تأسیسات هسته‌ای، پس از ساخت، عملیاتی شده و مطابق با طراحی تأیید می‌شوند» (IAEA, 2007: 4). برنامه‌های ساخت نیروگاه هسته‌ای، از اولین گام برای بتن‌ریزی سازه‌ای تا اتصال به شبکه، می‌تواند از کمتر از پنج سال تا بیش از بیست سال متغیر باشد. مذاقه در رویکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و گروه مشاوره ایمنی هسته‌ای بین‌المللی درباره طراحی، ساخت و بهره‌برداری از نیروگاه‌های هسته‌ای نشان می‌دهد که حق راه‌اندازی، همواره با مسئولیت‌های سخت‌گیرانه همراه بوده و آژانس در دستورالعمل‌های خود بیشتر بر اصل ایمنی تأکید کرده و مقرر می‌دارد: «این اصل کلیدی باید در مورد همهٔ نیروگاه‌های هسته‌ای اعمال شود که شخص یا سازمانی که مسئول راه‌اندازی تأسیسات یا فعالیت‌های هسته‌ای است مسئولیت اصلی ایمنی را بر عهده دارد» (IAEA, 2006: para. 3.3). استانداردهای بین‌المللی مربوطه انجام می‌شود (IAEA, 2014: 13). استانداردهای ایمنی شماره SSR-2/2 و شماره SSG-28 آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راه‌اندازی و بهره‌برداری، نیروگاه‌های هسته‌ای را پوشش می‌دهد (IAEA, 2016: 23). گروه مشاوره ایمنی هسته‌ای بین‌المللی در کتاب INSAG-22 زیرساخت ایمنی هسته‌ای برای یک برنامه ملی هسته‌ای ۲۰۰۸ را به‌طور کامل شرح داده است.

۲.۲. حق بر چرخه سوخت هسته‌ای (غنی‌سازی، فرآوری و تبدیل)

طبق قاعده اذن، «اذن در شی، اذن در لوازم آن نیز هست.» وقتی استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای مستلزم «طراحی، ساخت و بهره‌برداری» است، داشتن فرایند غنی‌سازی اورانیوم برای تهیه سوخت جزو بخش لاینفک از حقوق هسته‌ای محسوب می‌شود (سلیمی‌ترکمانی، ۱۳۹۷).

۶۶). «دانیل جویئر^۱» در این خصوص می‌گوید: «اینکه غرب از ایران می‌خواهد فرایند غنی‌سازی اورانیوم خود را متوقف کند، در حقیقت زیرپا گذاشتن قواعد حقوق بین‌الملل است» (جویئر، ۱۳۹۷: ۳۷). وی درباره اختلاف حقوقی ایران و ۵+۱ درباره این موضوع که آیا «حق غنی‌سازی» دارد یا نه؟ می‌نویسد: «بر اساس معاهده ان.پی.تی، هر عضو معاهده حق دارد از طیف کاملی از استفاده‌های صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای برخوردار شود» (Joyner, 2012: 6). وقتی معاهده عدم اشاعه در اجرای حق دولت‌ها به تولید و فرآوری مواد شکافت‌پذیر ویژه اشاره می‌کند، معنی آن این است که کشورها از حق برخورداری از چرخه سوخت هسته‌ای (غنی‌سازی، فرآوری و تبدیل) برخوردارند، زیرا غنی‌سازی نوعی فرآوری است و لازمه تولید بعضی از مواد ایزوتوپ‌ها برای تولید سوخت هسته‌ای به‌شمار می‌رود. غنی‌سازی اورانیوم به فرآیندی گفته می‌شود که طی آن غلظت ایزوتوپ اورانیوم-۲۳۵ (که برای شکافت هسته‌ای مناسب است) افزایش می‌یابد (Krass, 1983: 8). این فرآیند معمولاً از طریق سانتریفیوژهای پرسرعت انجام می‌شود که اورانیوم را به دو جریان، یکی با غلظت بالاتر و دیگری با غلظت کمتر (اورانیوم ضعیف شده) جدا می‌کنند (Whitaker, 2019: 23). فرآوری اورانیوم به مراحل مختلفی اشاره دارد که شامل تبدیل اورانیوم استخراج شده (معمولاً به شکل کیک زرد) به ترکیبات قابل استفاده در فرآیندهای بعدی، می‌شود. تبدیل اورانیوم به فرآیندی اشاره دارد که طی آن اورانیوم به‌صورت گاز هگزاfluorاید اورانیوم (UF_6) تبدیل می‌شود و در یک سانتریفیوژ بسیار سریع چرخان قرار می‌گیرد. بنابراین، این سه فرآیند (غنی‌سازی، فرآوری و تبدیل) اجزای مهمی از چرخه سوخت هسته‌ای هستند که در تولید انرژی هسته‌ای و یا در ساخت تسلیحات هسته‌ای به کار می‌روند (OECD, 2025: 34).

۳.۲. حق مصونیت و امنیت فیزیکی مواد و تأسیسات هسته‌ای

اما مهم‌ترین بُعد حق بر انرژی هسته‌ای حق مصونیت و امنیت فیزیکی مواد و تأسیسات هسته‌ای می‌باشد که تحت رژیم بین‌المللی امنیت هسته‌ای قرار دارد. رژیم بین‌المللی امنیت هسته‌ای شامل ابزارهای الزام‌آور قانونی مانند کنوانسیون‌ها، قطعنامه‌ها و معاهدات بین‌المللی است. این اسناد بین‌المللی شامل قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد از جمله قطعنامه ۴۸۷ (۱۹۸۱)، کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای (۱۹۷۹) و اصلاحیه ۲۰۰۵ آن؛ کنوانسیون

¹. Daniel Joyner.

بین‌المللی سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای (۱۹۸۰) و قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از جمله قطعنامه‌های ۴۴۴، ۴۷۵ و ۵۳۳ کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌شود. حمله به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، برخلاف الزامات کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای، قطعنامه‌های شورای امنیت (از جمله قطعنامه ۴۸۷) و رژیم بین‌المللی امنیت هسته‌ای بوده و مستقیماً حق بنیادین مصونیت و امنیت فیزیکی تأسیسات و مواد هسته‌ای را هدف قرار داده و آن را زیر سؤال می‌برد.

۱.۳.۲ حمایت از امنیت تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز در قطعنامه‌های مجامع بین‌المللی

شورای امنیت در قطعنامه ۴۸۷ (۱۹۸۱) حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای را نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد، نقض هنجارهای بین‌المللی و تهدیدی جدی برای کل رژیم پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توصیف کرده است (UN. SC, 1981: para.3). با صدور این قطعنامه، شورای امنیت تلویحاً هرگونه توجیهی را که اسرائیل بر اساس دکترین امنیتی (که بعدها به‌عنوان دکترین مناحیم بیجن^۱ شناخته شد) برای دفاع پیشگیرانه مطرح می‌کرد، رد کرد. شورا تأکید کرد که این حمله حقوق دولت عراق را مبنی بر توسعه فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز طبق معاهده عدم اشاعه نقض کرده است.

کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تعدادی از قطعنامه‌ها به صراحت اعلام کرده است که حملات علیه تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز طبق قوانین بین‌المللی ممنوع است. مرتبط‌ترین قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای قطعنامه ۴۴۴ مصوب ۱۹۸۴ می‌باشد. کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از همه کشورهای عضو می‌خواهد تا به‌صورت جداگانه و از طریق نهادهای بین‌المللی ذیصلاح، تمام تلاش ممکن را برای تصویب قوانین بین‌المللی الزام‌آور برای ممنوعیت چنین حملاتی انجام دهند. کنفرانس عمومی

^۱. دکترین بگین (Begin Doctrine) که به نام «مناخم بگین»، نخست‌وزیر اسبق اسرائیل نام‌گذاری شده، اصلی‌ترین راهبرد امنیتی این رژیم در قبال فعالیت‌های هسته‌ای (یا به‌زعم صهیونیست‌ها تهدیدات هسته‌ای) کشورهای منطقه است. این دکترین پس از حمله موفقیت‌آمیز به رآکتور هسته‌ای «اوسیراک» عراق در سال ۱۹۸۱ تثبیت شد و برپایه آن، اسرائیل هرگونه توانایی بالقوه هسته‌ای دشمنان خود را تهدیدی وجودی تلقی می‌کند و از انجام حملات پیش‌دستانه برای نابودسازی این توانایی ابایی ندارد؛ حتی اگر این برنامه‌ها هنوز به مرحله تسلیحاتی نرسیده باشند.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بند (ه) قطعنامه ۴۴۴، مقرر می‌دارد: «هرگونه حمله یا تهدید به حمله علیه تأسیسات هسته‌ای اختصاص داده شده به اهداف صلح‌آمیز، توسعه و ارتقای فعالیت - های صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای و دستیابی به اهداف اصلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به خطر می‌اندازد» (GC RES, 1985: para.6). کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با بررسی گزارش‌های مدیرکل مندرج در سند ۷۲۱ و بیانیه او در بیست و نهمین جلسه عادی کنفرانس عمومی (GC REP, 1984: para.1) با تأکید مجدد بر اعتماد خود به اثربخشی سیستم پادمان‌های آژانس به‌عنوان وسیله‌ای قابل اعتماد برای تأیید استفاده صلح‌آمیز از تأسیسات هسته‌ای، در بند «ز» قطعنامه مقرر می‌دارد: «همه کشورهای که انرژی هسته‌ای را برای اهداف صلح‌آمیز توسعه می‌دهند، به تضمین‌هایی در برابر حملات مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز نیاز دارند» (GC RES, 1985: para.1). کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به دنبال حمله نظامی اسرائیل به رآکتور تحقیقاتی هسته‌ای عراق پیامدهای این حمله را طی قطعنامه‌های متعدد بررسی کرده و در بند سوم قطعنامه ۴۲۵ از اسرائیل می‌خواهد که فوراً متعهد شود که هیچ حمله دیگری به تأسیسات هسته‌ای در عراق یا در سایر کشورها، انجام ندهد (GC RES, 1984: para.6). کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قطعنامه ۵۳۳ سال ۱۹۹۰، مقرر می‌دارد: «حمله یا تهدید حمله به تأسیسات هسته‌ای اختصاص داده شده به اهداف صلح‌آمیز می‌تواند حق توسعه انرژی هسته‌ای را به خطر بیندازد» (GC RES, 1990: para.2). در سال ۲۰۰۹، کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در تصمیمی خاطرنشان کرد که «هرگونه حمله مسلحانه و تهدید علیه تأسیسات هسته‌ای اختصاص داده شده به اهداف صلح‌آمیز (با تأکید اضافه شده است) نقض اصول منشور سازمان ملل متحد، حقوق بین‌الملل و اساسنامه آژانس محسوب می‌شود» (GC RES, 2009: para.1). کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بند اول قطعنامه ۸۴۵ مقرر می‌دارد: «حملات نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای که برای کاربردهای صلح‌آمیز در نظر گرفته شده‌اند، در هر مرحله از ساخت و در هر زمان ممنوع می‌باشد» (GC RES, 1988: para.1). لذا حمله به تأسیسات هسته‌ای، نقض صریح قطعنامه‌های کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (از جمله قطعنامه‌های ۴۴۴، ۵۳۳ و ۸۴۵) بوده و نه تنها حق توسعه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای را به خطر می‌اندازد، بلکه مصداق بارز نقض اصول منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه آژانس محسوب می‌شود.

۲.۳.۲ حمایت از امنیت تأسیسات هسته‌ای صلح آمیز در معاهدات بین‌المللی

کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای^۱ و اصلاحیه آن در درجه اول بر حفاظت فیزیکی از مواد و تأسیسات هسته‌ای تمرکز دارند (CPPNM, 1980: art.5)، کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای بیشتر بر خرابکاری و سرقت مواد هسته‌ای تمرکز دارد و صراحتاً به ممنوعیت حملات در طول درگیری مسلحانه نمی‌پردازد. صرفاً در بند دوم ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای تهدید و استفاده از زور علیه تأسیسات هسته‌ای به عنوان یک جرم قابل پیگیری و مجازات می‌باشد (ICSANT, 1980: art.2). بی‌تردید عبارت تهدید و استفاده از زور علیه تأسیسات هسته‌ای دارای مفهوم موسعی بوده و علاوه بر اقدامات گروه‌های تروریستی شامل درگیری‌های مسلحانه میان دولت‌ها و تروریسم دولتی نیز می‌باشد.

به علاوه در چارچوب معاهدات حقوق بشردوستانه حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ممنوع است. گرچه این ممنوعیت با توجه به تاکید ماده ۵۶ پروتکل الحاقی اول بر «اهداف نظامی»، مطلق نبوده و مشروط به عدم مشارکت مؤثر در عملیات نظامی است (Iaria, 2018: 1). ماده ۵۶ پروتکل الحاقی اول و ماده ۱۵ پروتکل الحاقی دوم، مقرر می‌دارند: «تأسیسات دارای نیروهای خطرناک یعنی سدها، آب‌بندها و نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق، نباید هدف حمله قرار گیرند، حتی اگر این تأسیسات اهداف نظامی باشند، اگر حمله نظامی امکان رها شدن نیروهای خطرناک و در نتیجه تلفات شدید در میان جمعیت غیرنظامی شود نباید هدف حمله قرار گیرند» (Additional Protocol I, 1977: 209; Protocol II, 1977: 138). لذا در صورتی که رها شدن نیروهای خطرناک تلفات و صدماتی بر جمعیت غیرنظامی نداشته باشد امکان حمله نظامی تأسیسات هسته‌ای ممکن می‌باشد (Lamm, 2004: 2) مطابق ماده ۸۵(۳)(c) پروتکل الحاقی اول، حمله به تأسیسات یا اماکنی که حاوی نیروهای خطرناک هستند، به عنوان نقض فاحش پروتکل و جنایت جنگی محسوب می‌شود. این امر طبق ماده ۵ اساسنامه^۲ رُم نیز قابل مجازات است. مطابق ماده ۸(۲)(د) اساسنامه^۳ رُم تخریب گسترده اموال، که با ضرورت نظامی توجیه نشده و به طور غیرقانونی و خودسرانه انجام شده باشد، جنایات جنگی بوده و دادگاه کیفری بین‌المللی صلاحیت

^۱ The Convention on the Physical Protection Of Nuclear Material, Date of adoption: 26 October 1979, Date of entry into force: 8 February 1987, IAEA, VIENNA, 1982, STI/PUB/615, 1980, art.5 (CPPNM).

رسیدگی دارد. ماده ۱۷ پیش‌نویس قوانین دهلی نو ۱۹۵۶ بر ممنوعیت حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ تأکید کرده است (ICRC, 1956: Article 17). طبق ماده ۲۰(iii)(b) از پیش‌نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشریت کمیسیون حقوق بین‌الملل ۱۹۹۶، «حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک با علم به اینکه چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی بیش از حد، آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اشیاء غیرنظامی خواهد شد، یک جنایت جنگی است (ILC, 1996: Article 20). لذا حمله به تأسیسات هسته‌ای، با توجه به ماهیت نیروهای خطرناک این مراکز، نه تنها با مفهوم موسع «استفاده از زور» در کنوانسیون سرکوب تروریسم هسته‌ای در تضاد است، بلکه با استناد به پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون‌های ژنو و اساسنامه رم، به دلیل ایجاد مخاطرات جانی گسترده برای غیرنظامیان، مصداق بارز «جنایت جنگی» و نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی محسوب می‌شود.

۳.۳.۲ حمایت از امنیت تأسیسات هسته‌ای صلح آمیز در حقوق بین‌الملل عرفی

مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۵ توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد قوانین حقوق بشردوستانه عرفی منتشر شد، اذعان نمود که قاعده ممنوعیت حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قاعده عرفی بوده و به‌طور یکسان برای همه دولت‌ها الزام‌آور می‌باشد (Henckaerts & Doswald-Beck, 2005: 139). بنابراین، قوانین مربوط به حفاظت از تأسیسات هسته‌ای برای همه طرف‌های یک مخاصمه، حتی تابعان و بازیگرانی که کنوانسیون‌های ژنو را امضا نکرده‌اند، الزام‌آور است (Henckaerts Jean-Marie, 2005: 181). رویه دولت‌ها این قاعده را به‌عنوان یک هنجار حقوق بین‌الملل عرفی قابل اجرا در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی تثبیت کرده است. قواعد مشروح مندرج در ماده ۵۶ پروتکل الحاقی اول و هم‌چنین ماده ۱۵ پروتکل الحاقی دوم، در دستورالعمل‌های نظامی آرژانتین (بند ۱۱)، استرالیا (بند ۱۲)، بلژیک (بند ۱۴)، بنین (بند ۱۵)، کامرون (بند ۱۶)، کانادا (بند ۱۷)، فرانسه (بند ۲۱-۲۳)، آلمان (بند ۲۴)، کنیا (بند ۲۹)، هلند (بند ۳۲-۳۳)، نیوزیلند (بند ۳۴)، آفریقای جنوبی (بند ۳۶)، اسپانیا (بند ۳۷)، سوئیس (بند ۳۸-۳۹)، توگو (بند ۴۰)، بریتانیا (بند ۴۱) و یوگسلاوی (بند ۴۶) مورد شناسایی قرار گرفته است (Henckaerts & Doswald-Beck, 2012: 139) با تکیه بر استقرار قاعده ممنوعیت حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک در

جایگاه هنجاری «حقوق بین‌الملل عرفی»^۱ و بر مبنای تکرار رویه دولت‌ها^۲ و باور حقوقی^۳، این ممنوعیت فارغ از عضویت در معاهدات موضوعه، به یک الزام بنیادین و فراگیر در تمامی اشکال درگیری‌های مسلحانه (بین‌المللی و غیربین‌المللی) تبدیل شده است که هرگونه خروج از آن را نقض آشکار نظم عمومی بین‌المللی تلقی می‌گردد.

۳. نقض حق بر انرژی هسته‌ای تحت دگرترین امنیتی

جامعه بین‌المللی برای دانش هسته‌ای، قوانینی تنظیم کرده است که این قوانین بین‌المللی حمایت خود را از سه رکن اساسی یعنی «توسعه و استفاده صلح‌آمیز کشور از دانش هسته‌ای» (NPT, art.2: 1968)، «تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز و فعالیت‌های هسته‌ای به شرط صلح‌آمیز بودن» (NPT, art.3: 1968) و «عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای» (NPT, art.1: 1968) اعلام کرده‌اند. برای تحقق این سه رکن اساسی رژیم بین‌المللی امنیت هسته‌ای شکل گرفته است. رژیمی که احراز تخلف و نقض تعهدات پادمانی برعهده «شورای حکام» و تعیین اقدامات اتخاذی و چگونگی اعمال مجازات برای نقض تعهدات هسته‌ای در صلاحیت «شورای امنیت» قرار دارد. علیرغم شکل‌گیری رژیم بین‌المللی امنیت هسته‌ای، تاریخ انرژی هسته‌ای، داستان متفاوتی را روایت می‌کند. از تخریب راکتور اوسیراک عراق توسط اسرائیل^۴ در سال ۱۹۸۱ گرفته تا حملات اخیر ایالات متحده به تأسیسات فردو، نطنز و اصفهان ایران در سال ۲۰۲۵، نشان می‌دهد که قدرت‌های بزرگ تمایل به دور زدن هنجارهای بین‌المللی در مواجهه با تهدیدات وجودی درک شده دارند (Vandenbroucke, 1984: 35). سابقه تاریخی حملات به تأسیسات هسته‌ای توسط قدرت‌های

^۱ Customary International Law.

^۲ State Practice.

^۳ Opinio Juris.

^۴ قبل از حمله مشهور اسرائیل به راکتور هسته‌ای اوسیراک عراق در ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰، نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران در یک مأموریت جسورانه اما کمتر شناخته شده با نام عملیات شمشیر سوزان (۱۹۸۰) حمله هوایی به راکتور هسته‌ای اوسیراک (تموز-۱) انجام داد. اگرچه این حمله موفقیت تاکتیکی محدودی به‌دست آورد و تحت‌الشعاع حمله مشهور اسرائیل به راکتور هسته‌ای اوسیراک عراق در سال ۱۹۸۱ قرار گرفت، اما ارزش استراتژیک و نمادین آن قابل توجه بود. این حمله نشان داد که جمهوری اسلامی ایران، حتی در بحبوحه تحولات انقلابی، تهدید بالقوه جاه‌طلبی‌های هسته‌ای صدام حسین -رئیس- جمهور عراق- را درک می‌کند.

بزرگ و بازیگران منطقه‌ای، تصویری متناقض از ارکان سه‌گانه معاهده «ان.پی.تی» ایجاد می‌کند. چگونه می‌شود دانش هسته‌ای برای برخی کشورها «حق» قلمداد شود اما همین فناوری برای سایر کشورها ممنوع و موجب تهدید باشد. این استاندارد دوگانه موجب شکل‌گیری رویه خطرناکی شده است که «عملیات چکش نیمه شب» نه اولین و نه آخرین آن خواهد بود (Sajo-Bohus & Lopez Miguel Castro-Colin, 2025: 1).

۱.۳. عملیات اُپرا (۱۹۸۱) و حمله نیروی هوایی اسرائیل به رآکتور هسته‌ای اوسیراک عراق

دکترین بیجن که به نام «مناخم بیجن»، نخست‌وزیر اسبق اسرائیل نام‌گذاری شده، اصلی‌ترین راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای منطقه است. این دکترین پس از حمله موفقیت‌آمیز به رآکتور هسته‌ای «اوسیراک» عراق در عملیات اُپرا (۱۹۸۱) تثبیت شد (Ludovica & Samuel, 2023: 83-105; Braut-Hegghammer, 2011: 124-26). نیروی هوایی اسرائیل طی عملیات اُپرا (۱۹۸۱) رآکتور هسته‌ای اوسیراک عراق موسوم به تموز-۱، واقع در مرکز تحقیقات هسته‌ای التویته در نزدیکی بغداد بمباران کرد (Ramberg Bennett, 1985: 495). رآکتور اوسیراک با کمک فرانسه و برای اهداف تحقیقاتی غیرنظامی ساخته شده بود (Tamsett, 2004: 70). با این حال، اطلاعات اسرائیل معتقد بود که عراق، تحت حکومت صدام حسین، از این رآکتور برای توسعه سلاح‌های هسته‌ای استفاده می‌کند (Reiter, 2005: 355). هشت فایتینگ فالکن اف-۱۶ اسرائیلی، که توسط شش مک‌دامل داگلاس اف-۱۵ اسکورت می‌شدند، بدون شناسایی شدن از طریق حریم هوایی اردن و عربستان سعودی پرواز کردند تا حمله دقیقی به رآکتور انجام دهند (Damato, 1983: 584). در سطح بین‌المللی، بمباران تأسیسات هسته‌ای اوسیراک با محکومیت همراه گردید. حتی متحدان نزدیک اسرائیل مانند ایالات متحده موقتاً تحویل تجهیزات نظامی به اسرائیل را به حالت تعلیق درآوردند. مجمع عمومی طی قطعنامه ۹/۳۸ حمله نیروی هوایی اسرائیل به رآکتور هسته‌ای اوسیراک عراق را محکوم کرد. شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آرا این حمله را در قطعنامه ۴۸۷ (۱۹۸۱) محکوم کرد (Mallison and Mallison, 1982: 417). «سیگوارد اکلونند»، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در همان روز بیانیه‌ای صادر کرد که به‌خامت اقدام اسرائیل و پیامدهای شدید آن برای اعتبار پادمان‌های آژانس اشاره داشت (Castelli & Samuel, 2023: 83). شورای حکام در ۱۲ ژوئن ۱۹۸۱، در قطعنامه ۲۰۴۰، صراحتاً اقدامات اسرائیل را محکوم کرد. به‌همین ترتیب، کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

این بمباران را «حمله‌ای علیه آژانس و رژیم پادمان‌های آن» توصیف کرد و ارائه هرگونه کمک آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به اسرائیل را به حالت تعلیق درآورد. قطعنامه ۳۸۱ به وضوح حمله اسرائیل را حمله‌ای علیه اعتبار آژانس و در نتیجه کل رژیم عدم اشاعه تعریف کرد (IAEA, 1981). بازرسی‌های بعدی انجام شده توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات تحت پادمان، نشان داد که عراق به توافق‌نامه پادمان‌های خود پایبند بوده است و بدین ترتیب ادعاهای اسرائیل در مورد وجود برنامه سلاح‌های هسته‌ای عراق (در آن زمان) را رد کرد (Malfrid, 2011: 124). عملیات اُپرا آغازگر مرحله‌ای بود که در آن کنترل اشاعه به حوزه امنیتی و نظامی کشیده شد و دیگر صرفاً موضوعی فنی یا حقوقی تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نمی‌شد.

۲.۳. عملیات طوفان صحرا (۱۹۹۱-۱۹۹۳) و حمله به سایت‌های هسته‌ای عراق

در طول جنگ اول خلیج فارس، عملیات طوفان صحرا (۱۹۹۱-۱۹۹۳) که توسط ائتلافی به رهبری ایالات متحده آمریکا صورت گرفت، زیرساخت‌های نظامی، صنعتی و فرماندهی عراق مورد هدف قرار گرفت. از جمله اهداف، تأسیسات هسته‌ای بود که مدت‌ها توسط سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل به‌عنوان بخشی از تلاش‌های پنهانی صدام حسین برای توسعه سلاح‌های هسته‌ای تلقی می‌شد (Carnahan, 1992: 524). هواپیماهای جنگی ایالات متحده سه سایت اصلی یعنی مرکز تحقیقات هسته‌ای التویته، مرکز غنی‌سازی اورانیوم طارمیه و تأسیسات توسعه سلاح‌های هسته‌ای الاثیر عراق را بمباران کردند (Cigar, 2014: 274). این عملیات مبتنی بر «دکترین بوش» و به بهانه جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی استوار بود. هدف از بین بردن هرگونه ظرفیت باقی‌مانده عراق برای ادامه برنامه هسته‌ای خود، به‌ویژه از بین بردن توان نظامی عراق بود (Byman & Waxman, 2000: 52). دکترین بوش و حمله به سایت‌های هسته‌ای عراق نقطه عطفی در تبدیل کنترل اشاعه از یک نظام همکاری‌محور به یک نظام امنیت‌محور بود.

۳.۳. عملیات باغ اورچارد (۲۰۰۷) و حمله به رآکتور الکبار سوریه

این عملیات در دوره‌ای انجام شد، که دکترین دفاع پیش‌دستانه^۱ آمریکایی (که ریشه در دکترین کارولین^۲ دارد) در اوج بود. اگرچه اسرائیل به تنهایی عمل کرد، اما اقدامات آن با روح

1. Preemption.

دکترین‌های امنیتی غرب همسو بود که بر اساس آن، تهدیدات بالقوه باید قبل از تبدیل شدن به توانمندی‌های غیرقابل بازگشت، خنثی شوند. همانند حمله اسرائیل به اوسیراک در سال ۱۹۸۱، حمله به رآکتور الکبار سوریه نیز فاقد مجوز شورای امنیت سازمان ملل بود و مستقیماً ماده ۲(۴) منشور ملل متحد (ممنوعیت توسل به زور) را نقض می‌کرد. اسرائیل این حمله را بر اساس حق دفاع مشروع ذاتی^۱ توجیه کرد. در شب ۶ سپتامبر ۲۰۰۷، جت‌های اسرائیلی عملیات باغ اورچارد را آغاز کردند، یک مأموریت مخفی برای تخریب تأسیساتی در دیرالزور سوریه که مظنون به داشتن یک رآکتور هسته‌ای مخفی در حال ساخت با کمک کره شمالی بود. وجود رآکتور سوریه برای عموم مردم و حتی برخی از سرویس‌های اطلاعاتی غربی ناشناخته بود، اما اطلاعات اسرائیل شواهدی ارائه کرد که نشان می‌داد این سایت تقریباً عملیاتی و خارج از نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بوده است (Gowers 2011: 263). هواپیماهای جنگی اسرائیل در یک مأموریت هماهنگ، پدافند هوایی سوریه را غیرفعال کرده و بمب‌های هدایت‌شونده دقیق را روی این تأسیسات انداختند. ظرف چند دقیقه، رآکتور مشکوک به تلی از خاک تبدیل شد. ایالات متحده، که پیش از حمله توسط اسرائیل در جریان قرار گرفته بود، بعد از عملیات باغ اورچارد ماهیت رآکتور را تأیید کرد و از حق اسرائیل برای دفاع از خود حمایت کرد. عملیات باغ اورچارد (۲۰۰۷) و حمله به رآکتور الکبار سوریه مفهوم پیشگیری فعال علیه فعالیت‌های هسته‌ای را نهادینه کرد، که بعدها مبنای سیاست آمریکا و اسرائیل در قبال ایران شد. اولین اقدام شناخته شده در این

^۲. واقعه کارولین در جریان شورش سال ۱۸۳۷ میلادی کانادایی‌ها علیه حکومت استعماری انگلیس اتفاق افتاد. در جریان این شورش، برخی از اتباع ایالات متحده آمریکا ساکن نیویورک در بخش آمریکایی «رود نیاگارا» به شورشیان کانادایی پیوسته و به سمت قرارگاه نیروهای بریتانیایی در خاک کانادا آتش گشودند. در همان روز، کشتی کارولین متعلق به کانادا توسط نیروهای بریتانیایی مورد حمله قرار گرفت و بریتانیایی‌ها پس از به آتش کشیدن کشتی کارولین، آن را به سمت پایین آبشار نیاگارا هدایت کردند (Jennings, 1938: 82) در پی این واقعه، «وبستر» وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده آمریکا طی نامه‌ای خطاب به «فاکس» وزیر امور خارجه وقت بریتانیا، اظهار نمود: «دولت علیاحضرت باید با استناد به فوریت، قطعیت، فقدان گزینه دیگر و نبود فرصت برای مذاکره، ضرورت دفاع مشروع را اثبات نماید. هم‌چنین دولت علیاحضرت باید اثبات کند که مقامات محلی کانادا اقدام غیرمنطقی یا افراطی انجام نداده‌اند...». بسیاری از نویسندگان، واقعه کارولین و شروط مندرج در نامه دانیل وبستر را به‌عنوان سابقه‌ای برای حق دفاع مشروع بازدارنده تلقی می‌نمایند (Bowett, 1958: 108)

1. Inherent Right to Self-Defense.

زمینه، حمله سایبری استاکسنت^۱ در سال ۲۰۱۰ می‌باشد که به‌طور مشترک توسط ایالات متحده و اسرائیل سازماندهی و منجر به اختلال در صدها سانتریفیوژ در تأسیسات هسته‌ای نظنز شد (Kaminski, 2020: 64-71; Farwell & Rohozinski, 2011: 23-40; Baezner, 2017: 11). خصومت‌ها علیه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۵ به شدت تشدید و نقطه عطفی در تاریخ برنامه هسته‌ای ایران رقم زد. نهایتاً ایالات متحده آمریکا با همدستی کامل رژیم متجاوز اسرائیل، با استناد به «دفاع مشروع پیشگیرانه» و «پیشدستانه» مبتنی بر دکترین کارولین مجموعه‌ای از حملات را علیه تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران انجام داد.

۴.۳. عملیات نظامی انرهودار (۲۰۲۲) و حمله به نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا

نبرد انرهودار ساعت ۱۲:۴۸ بامداد ۴ مارس ۲۰۲۲ آغاز شد (Novotna & Handrlica, 2024: 57)، زمانی که ستونی از ده خودروی زرهی روسی و دو تانک به نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا در ساحل جنوبی مخزن کاخوفکا و در کنار رودخانه دنیپر نزدیک و طی عملیات نظامی ویژه نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا را با نارنجک‌های راکتی و پهپادها مورد حمله قرار دادند (Anna, 2022: 135). از زمان آغاز جنگ فدراسیون روسیه و اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، وضعیت ایمنی نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا مورد توجه جامعه بین‌المللی و کشورها قرار گرفته است. سفارت ایالات متحده در کیف با انتشار توییتی مختصر در محکومیت این حمله اظهار نمود: «حمله به یک نیروگاه هسته‌ای جنایت جنگی است» (Dannenbaum, 2025). در اقدامی مشابه «رزماری دی‌کارلو»، معاون دبیرکل در امور سیاسی و صلح‌سازی، در جلسه توجیهی شورای امنیت در ۴ مارس ۲۰۲۴ اظهار داشت که «حمله به تأسیسات هسته‌ای مغایر با قوانین بین‌المللی بشردوستانه به‌ویژه نقض صریح ماده ۵۶ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو است» (UN. SC, 2024: 10). شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نیز حمله روسیه به مجتمع هسته‌ای زاپوریژیا را در قطعنامه‌های ۱۷ (۲۰۲۲)، ۵۸ (۲۰۲۲)، ۷۱ (۲۰۲۲) و ۱۸ (۲۰۲۴) به‌شدت محکوم کرد. مدیرکل آژانس نیز در گزارش‌های متعدد خود حمله روسیه به مجتمع هسته‌ای زاپوریژیا را محکوم نمود. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طی گزارشی خسارات و تهدیدات بالقوه برای امنیت تأسیسات هسته‌ای اوکراین را ناشی از حملات نظامی روسیه مستند و منتشر کرد (IAEA, 2022: 9).

1. Stuxnet.

۵.۳. عملیات چکش نیمه‌شب (۲۰۲۵) و حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران

ایالات متحده که حمله روسیه به نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا را در فوریه ۲۰۲۲، «جنایت جنگی» توصیف کرده بود، در اقدامی وقیحانه و تجاوزگرانه در ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵، به تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم فردو، سایت هسته‌ای نطنز و مرکز تحقیقات و فناوری هسته‌ای اصفهان حمله نظامی کرد. در عملیات «چکش نیمه‌شب» بمب‌افکن‌های رادارگریز B-2، بمب‌های نفوذگر GBU-57A/B که برخی از آن‌ها بیش از ۳۰۰۰ پوند وزن دارند را بر روی تأسیسات فردو، پرتاب کردند. همزمان، موشک‌های کروز تاماهاوک زیرساخت‌های نطنز و اصفهان را هدف قرار دادند و سایت تولید سانتریفیوژ، مراکز کنترل و مدارهای الکتریکی تأسیسات را تخریب کردند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در حمله روسیه به نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا موضع فعالی گرفته بود و اقدام روسیه را به شدت محکوم کرده بود، در وضعیتی مشابه و در حمله ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران سکوت اختیار کرد. این رفتار دوگانه ایالات متحده آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این سوال را مطرح می‌سازد که چگونه حمله روسیه به مجتمع هسته‌ای زاپوریژیا از سوی ایالات متحده آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ناقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه و جنایت جنگی توصیف می‌شود، اما همین دولت (ایالات متحده آمریکا) با استناد به قطعنامه ضد ایرانی شورای حکام، طی اقدامی وحشیانه و مغایر با قوانین بین‌المللی، به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران حمله نظامی می‌کند. ایالات متحده در بیانیه‌ای رسمی مدعی شد که این حملات به منظور دفاع از خود و از متحد خود (اسرائیل)، در برابر تهدید قریب‌الوقوع ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران انجام شده است. این در حالی است که ادعای دفاع مشروع پیش‌دستانه حتی با استناد به دکترین «کارولین»، یا «بوش» یا نظریه تهدید در حال ظهور در حقوق بین‌الملل عرفی فاقد مشروعیت بوده و با توجه به اینکه استثنای مقرر بر بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد به‌ویژه ماده ۵۱ صرفاً بر موارد انحصاری و عینی یعنی یک حمله مسلحانه واقعی و فعلی و نه احتمالی یا فرضی آتی تأکید دارد (Aust, 2024: 1769)، لذا ادعاهای نماینده اسرائیل در جلسه شورای امنیت مورخ ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ و ادعای نماینده ایالات متحده آمریکا در جلسه شورای امنیت مورخ ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵ و همچنین در بیانیه رسمی و نامه ارسالی به شورای امنیت مبنی بر حق ذاتی دفاع از خود، با معیارهای شناسایی شده عرفی و قراردادی دفاع مشروع در تعارض قرار دارد (UN. SC, 2025). از سوی دیگر تحلیل حقوقی علل افزایش حملات نظامی به تأسیسات

صلح‌آمیز هسته‌ای کشورها به بهانه دکت‌ترین عدم اشاعه نشان می‌دهد که در این افزایش حملات نظامی غیرقانونی، بی‌کیفرمانی دول متجاوز بسیار موثر است. اطمینان رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا از «بی‌کیفرمانی» عامل اصلی جنایات بین‌المللی نظیر تجاوز نظامی و جنایت جنگی است.

۴. تحلیل حقوقی علل افزایش حملات نظامی به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای کشورها به بهانه دکت‌ترین عدم اشاعه

فعالیت‌های هسته‌ای ایران حتی اگر بنابر ادعای سخنگوی ایالات متحده در جلسه اضطراری شورای امنیت (جلسه ۹۹۴۱) در ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵ تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی باشد، تعیین «وجود هرگونه تهدیدی برای صلح و امنیت»، براساس ماده ۳۹ منشور ملل متحد شورای امنیت می‌باشد. حتی استدلال ایالات متحده در استناد به دفاع مشروع دسته‌جمعی برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران قابل پذیرش نیست. زیرا اولاً در عرصه بین‌المللی صرفاً یک منشور وجود دارد و مقررات حاکم بر دفاع مشروع فردی مندرج در منشور بر دفاع مشروع دسته‌جمعی نیز حاکم است و منشور حاضر صریحاً دفاع مشروع (اعم از فردی و جمعی) را در برابر یک «حمله مسلحانه واقعی» تجویز کرده است. این در حالی است که هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد ایران قصد حمله قریب‌الوقوع به ایالات متحده آمریکا یا اسرائیل با سلاح هسته‌ای را داشته یا خواهد داشت. دوماً در مورد تهدید بودن تأسیسات هسته‌ای، آیین عدم پابندی به تعهدات پادمانی و «ان.پی.تی» که مبتنی بر نظام چندجانبه‌گرایی می‌باشد خود تجلی امنیت دسته‌جمعی همه کشورها است. نظام پادمانی آژانس و رژیم عدم اشاعه، ستون فقرات سیستم امنیت‌جمعی بوده و در واقع شکل سازمان‌یافته و تکامل‌یافته سیستم امنیت‌جمعی کلاسیک محسوب می‌شود که با وجود چنین سیستمی هیچ دولتی نمی‌تواند و نباید بدون مجوز شورای امنیت تجلی جامعه بین‌المللی سازمان‌یافته باشد و با توسل یک‌جانبه به‌زور درصدد اجرای نرُم‌های الزام‌آور بین‌المللی یا حمایت از منافع جمعی اعضای جامعه بین‌المللی در برابر تخلف از تعهدات بین‌المللی باشد. این یک‌جانبه‌گرایی و افزایش حملات نظامی به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای ناشی از رفتار متناقض و استانداردهای دوگانه کشورها در مقابل تعهدات هسته‌ای و عدم واکنش مناسب مجامع بین‌المللی در مقابل جنایات جنگی و بی‌کیفرمانی ناقضان تعهدات بین‌المللی است. بی‌مکافات ماندن جنایتکاران باعث شده است که کشورمان هدف مجموعه‌ای از عملیات پیچیده شامل

خرابکاری، حملات سایبری، ترور دانشمندان هسته‌ای و بمباران برخی تأسیسات قرار بگیرد. این اقدامات جمله‌گی برای توقف برنامه هسته‌ای انجام شده است.

۴.۱ رفتار متناقض و استانداردهای دوگانه کشورها در مقابل تعهدات هسته‌ای

موارد فوق در تاریخ انرژی هسته‌ای نشان از روند روبه رشد حمله به تأسیسات هسته‌ای را به بهانه دفاع مشروع پیشگیرانه و با توجیه جلوگیری از آسیب‌ها و تهدیدات «قریب‌الوقوع» نشان می‌دهد. دولت‌های بزرگ از یک طرف مطابق ماده ۵۶ پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹) و ماده ۱۵ پروتکل الحاقی دوم (۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹) تأسیسات هسته‌ای را تحت حمایت و حفاظت حقوق بشردوستانه قرار داده‌اند و از سوی دیگر بر این نظرند که دفع تهدیدات ناشی از گسترش فناوری سلاح‌های کشتار جمعی (به‌ویژه هسته‌ای) که فوراً قابل استفاده می‌باشند، دفاع مشروع پیشگیرانه، پیش‌دستانه و پیش‌بینانه را ضروری می‌سازد (Schachter, 1989: 259; Gross, 1960: 199; Bowett, 2014: 294). این دوگانگی نسبت به زیرساخت‌های هسته‌ای هم به‌عنوان «سپر» (لزوم رعایت اصل تفکیک) و هم به‌عنوان «هدف» (هدف مشروع نظامی) نشان از رویکرد دوگانه جامعه بین‌الملل در اجرای رژیم منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای دارد. چگونه می‌شود برای کشورهای دارای سلاح هسته‌ای، راکتورها و نیروگاه‌های غنی‌سازی نماد بازدارندگی، استقلال و قدرت تکنولوژیکی باشد اما همین تأسیسات برای سایر کشورها، تهدید علیه صلح و امنیت باشد که نیاز به خنثی‌سازی فوری و دفع تهدید دارد (ساعد، ۱۳۸۳: ۵۸). گرچه معاهده «ان.پی.تی» بر هر سه رکن اصلی یعنی عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (رکن اول)، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تحت نظارت بین‌المللی (رکن دوم) و خلع سلاح هسته‌ای (رکن سوم) به‌طور یکسان تأکید می‌کند اما در رویه کشورهای سنگینی کفه رکن اول (عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای) بر رکن دوم (استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تحت نظارت بین‌المللی) مشهود بوده و متأسفانه شاهد شکل‌گیری یک رویه خطرناک تحت عنوان حمله به تأسیسات هسته‌ای با استناد به دکترین عدم گسترش می‌باشیم. قدرت‌های بزرگ و کشورهای غربی با استناد به منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با رویکردهای یکجانبه و عاری از حُسن نیت محدودیت‌های زیادی را بر حق برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای سایر کشورها ایجاد کرده‌اند. کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای با تفسیر موسع از

استثنائات توسل به زور با استناد به دکترین پیشگیرانه و پیش‌دستانه و به‌بهانه عدم اشاعه، حملات تجاوزکارانه علیه تأسیسات هسته‌ای کشورهای فاقده اما علاقمند به فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای انجام داده‌اند. رویه ایجاد شده به‌بهانه عدم اشاعه، موجب تضعیف هنجارهای بین‌المللی شده و علاوه بر اینکه حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای را عادی‌سازی می‌کند، بلکه هنجارهای بین‌المللی حافظت از چنین تأسیساتی را نیز تضعیف می‌کند. اما نگرانی مهم‌تر زمانی است که نهادهای بین‌المللی همانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که باید دیپلماسی، نظارت و حاکمیت قانون را جایگزین حاکمیت قدرت، زور و خشونت در مدیریت نظم هسته‌ای نمایند، خود به‌عاملی برای نادیده گرفتن همه چارچوب‌ها و هنجارهای بین‌المللی تبدیل شده و با سیاسی‌کاری، رفتار متناقض و استانداردهای دوگانه موجبات حملات نظامی به تأسیسات هسته‌ای به‌عنوان میانبرهایی برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای شده‌اند.

۴.۲ تأکید بر دکترین امنیت ملی به جای امنیت بین‌المللی

هسته فعالیت نظام ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است که این مهم بر عهده «شورای امنیت» گذاشته شده است (موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۱). برقراری صلح و امنیت جهانی مهم‌ترین هدف منشور ملل متحد بوده و شورای امنیت به‌هنگام تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی اقدام به اتخاذ تصمیمات سریع و موثر نموده و مکانیزم اجبارکننده پیش‌بینی شده در فصل هفتم منشور را به کار می‌اندازد (باوت، ۱۳۷۲: ۵۱). لذا در چارچوب حقوق بین‌الملل حتی اگر برنامه هسته‌ای کشوری مغایر با تعهدات پادمانی و در نتیجه تهدید علیه صلح و امنیت باشد، هیچ کشوری حق احراز و اعمال ضمانت اجرای تخلف از مقررات پادمان بدون اجازه شورای امنیت و به بهانه دکترین عدم اشاعه یا دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه را ندارد. زیرا مرجع تشخیص تخلف از تعهدات هسته‌ای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مرجع تشخیص تهدید صلح و امنیت شورای امنیت می‌باشد. فعالیت‌های هسته‌ای ایران حتی اگر بنا بر ادعای سخنگوی ایالات متحده در جلسه اضطراری شورای امنیت (جلسه ۹۹۴۱) در ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵ تهدیدی برای صلح و امنیت ایالات متحده آمریکا و کل جهان باشد، تعیین «وجود هرگونه تهدیدی برای صلح و امنیت»، براساس ماده ۳۹ منشور ملل متحد شورای امنیت می‌باشد (Charter of the United Nations, 1945: Art.39) زیرا فرض بر این است که هرگونه اقدامات اتخاذی از مجرای سازمان‌های بین‌المللی، خطرات ارزیابی

خودسرانه و اقدام بر اساس انگیزه‌های سیاسی را کاهش می‌دهد و موجب تقویت سیستم امنیت دسته‌جمعی مبتنی بر نظام چندجانبه‌گرایی می‌شود. در سیستم امنیت جمعی مطابق منشور ملل متحد احراز تهدید صلح و امنیت صرفاً برعهده شورای امنیت قرار دارد (آقایی، ۱۳۸۶: ۹۸) و هیچ کشوری حق احراز و اعمال ضمانت اجرای تخلف از مقررات پادمان بدون اجازه شورای امنیت و به بهانهٔ دکترین امنیت ملی ندارد. به‌طور کلی وظیفه حقوق بین‌الملل حفظ نظم بین‌المللی بوده و در این مسیر امنیت بین‌المللی بر امنیت ملی کشورها برتری دارد. تلاش بر این است که از طریق حقوق بین‌الملل به‌منظور تضمین هماهنگی و حفظ ارزش‌ها و نهادهای جامعه بین‌المللی رفتارها تحت قاعده درآیند (کریستوفرسی، ۱۳۸۷: ۶۴) حقوق بین‌الملل قرن حاضر نباید به‌عنوان نوشدارو پس از منع یک رفتار بین‌المللی مطرح باشد. تعهد هر دولت به اداره روابط خود بر طبق مقررات و قوانین بین‌المللی در ماده ۱۴ اعلامیه حقوق و تکالیف دولت‌ها چنین مقرر گردیده است: «هر دولت موظف است برای انجام روابط خود با کشورهای دیگر مطابق با حقوق بین‌الملل رفتار کند».^۱ این تکلیف انکارناپذیر و الزام‌آور شرط پایه‌ای برای وجود هر نظم حقوقی است (فن‌گلان، ۱۳۸۹: ۱۸۱) اقدام نظامی ایالات متحدهٔ آمریکا و حمله به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تفسیر اختیاری از قواعد بین‌المللی و اجرای یکجانبه حقوق بین‌الملل بوده و می‌تواند موجب تضعیف اصل منع توسل به‌زور، تضعیف سیستم امنیت دسته‌جمعی، تضعیف مکانیسم‌های چندجانبه شود. حمله به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نتیجه تأکید بر دکترین امنیت ملی (دکترین دفاع مشروع بازدارنده کارولین، دکترین جنگ پیشدستانه بوش، دکترین حملهٔ پیشگیرانه بیجن، دکترین صلح مقتدرانه ترامپ) به‌جای امنیت بین‌المللی است. چرا که شورای امنیت نه تنها برنامهٔ هسته‌ای ایران را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی احراز نکرده بود بلکه عدم تعلیق غنی‌سازی را نیز تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی نشناخته بود، از همین‌رو شورای امنیت تنها و تنها برای اینکه ایران را ملزم به تعلیق نماید، در قطعنامهٔ ۱۶۹۶ به «ماده ۴۰ از فصل هفتم منشور ملل متحد» جهت الزام استناد نموده و سپس برای مجازات و وادارسازی ایران به تعلیق، در قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۸۰۳، ۱۷۴۷، و ۱۹۲۹ به «ماده ۴۱ از فصل هفتم منشور ملل متحد» که تحریم‌های اقتصادی-سیاسی را دربر دارد، استناد کرده بود. در قطعنامهٔ ۲۲۳۱ نیز

1. Article 14: "Every State has the duty to conduct its relations with other States in accordance with international law and with the principle that the sovereignty of each State is subject to the supremacy of international law".

همه تصمیم‌های شورای امنیت تحت ماده ۴۱ اخذ شده و ۱۰ مرتبه به ماده ۴۱ منشور استناد شده است. ماده ۴۱ منشور ملل متحد دربارهٔ تحریم‌های سیاسی و اقتصادی و ماده ۴۲ منشور ملل متحد درباره صدور مجوز استفاده از زور و قوه قهریه (اقدام نظامی و جنگ) است. متجاوزان باید پاسخ دهند که مطابق کدام مجوز شورای امنیت اقدام به حمله نظامی به تأسیسات صلح‌آمیز هسته-ای جمهوری اسلامی ایران کرده‌اند.

۴.۳ بی‌کیفرمانی و انفعال مجامع بین‌المللی در مقابل حملات نظامی به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای کشورها

با اینکه صرف استناد ایالات متحده آمریکا به قطعنامه‌های شورای حکام بدون مجوز شورای امنیت نمی‌تواند توجیه‌گر توسل به زور و تجاوز به سایت‌های هسته‌ای ایران باشد، با این وجود قطعنامه‌های شورای حکام در تغییر ذهنیت جهان نسبت به ماهیت برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، کاهش اعتماد و تشدید تنش‌های بین‌المللی بی‌تاثیر نیست. مع‌الاسف قطعنامه‌های شورای حکام به‌ویژه قطعنامه‌های ۳۹ (۲۰۲۴)، ۶۸ (۲۰۲۴) و ۳۸ (۲۰۲۵) از جنبه فنی و حقوقی صرف فراتر رفته و تقریباً به اسنادی سیاسی تبدیل شده‌اند که به‌وضوح ایران را به‌عدم پایبندی به تعهدات پادمانی متهم می‌کنند. برای نمونه شورای حکام در بند «ک» قطعنامه ۳۸ (۲۰۲۵) به این نتیجه رسیده است که ادعاهای تحریک‌آمیز از جمله عدم همکاری ایران در موارد متعدد برای تسهیل اجرای پادمان‌ها (IAEA, 2025: para.(f)، پنهان‌کاری (IAEA, 2025: para.(d)، پاکسازی گسترده، غنی‌سازی بالا (IAEA, 2025: para.(i)، و عدم ارائه پاسخ‌های فنی معتبر از سوی ایران مانع توانایی آژانس در شفاف‌سازی و تأیید ماهیت منحصراً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران است. مفهوم مخالف بند «ک» قطعنامه ۱۲ ژوئن ۲۰۲۵ شورای حکام این است که برنامه هسته‌ای ایران منحصراً صلح‌آمیز نبوده و اهداف نظامی و غیرصلح‌آمیز را دنبال می‌کند (IAEA, 2025: para.(k)). گزارش سه‌ماهه مدیرکل آژانس درباره برنامه هسته‌ای ایران تحت عنوان «توافقنامه پادمان‌های معاهده ان.پی.تی با جمهوری اسلامی ایران» که در پاسخ به قطعنامه ۶۸ مصوب نوامبر سال ۲۰۲۴ شورای حکام تهیه شده است، اتهامات زیادی را علیه ایران مطرح کرده است (Report by the Director General, 2025: para.25)، گزارش ۳۱ می ۲۰۲۵ مدیرکل آژانس، نه تنها لحنی تندتر نسبت به گزارش‌های قبلی دارد، بلکه محتوای آن همان‌طور که شورای حکام در بند پنجم قطعنامه ۳۸ (۲۰۲۵) نیز اشاره کرده است زمینه‌ساز تجاوز به تأسیسات هسته-

ای گردید. سناریویی از پیش طراحی شده که با در کنار هم قرار دادن اسناد و رویدادها، سیاسی، غیرمنطقی و غیرفنی بودن گزارش‌های مدیرکل آژانس را کاملاً نشان می‌دهد. لذا مجامع بین‌المللی نظیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علاوه بر تسهیل جنایت تجاوز به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای با انفعال و عدم واکنش نیز باعث افزایش روزافزون حملات نظامی غیرقانونی به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای شده است.

مطابق بند پنجم قطعنامه ۴۴۴ مصوب ۱۹۸۵ در صورت هرگونه حمله مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای اختصاص داده شده به اهداف صلح‌آمیز، موضوع توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطابق با اساسنامه و قطعنامه‌های خود آژانس (مطابق بند ششم قطعنامه ۴۴۴)، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید کنفرانس عمومی را در جریان تحولات بیشتر در این زمینه قرار دهد (IAEA, 2022: para.5). لذا در صورت حمله به تأسیسات هسته‌ای مأموریت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شامل پشتیبانی و ارائه کمک به تأسیسات هسته‌ای مورد هدف قرار گرفته و نظارت بر رعایت پنج اصل مشخص برای حفاظت از نیروگاه هسته‌ای (تلاش برای جلوگیری و توقف حمله به تأسیسات هسته‌ای، عدم استفاده نظامی و عدم نگهداری سلاح‌های سنگین در تأسیسات هسته‌ای، عدم حمله به منبع تغذیه و خودداری از قطع شبکه برق، محافظت از اجزای حیاتی در برابر حملات نظامی، عدم اقدامات تضعیف‌کننده) می‌باشد (IAEA, 2022: paras.1-10). دو نکته در مورد عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در راستای حفاظت از تأسیسات هسته‌ای از جمله در مورد اصل اول امنیت هسته‌ای یعنی تلاش برای جلوگیری و توقف حمله به تأسیسات هسته‌ای در تجاوز آمریکا به سایت‌های هسته‌ای ایران قابل توجه است. در حالی که در بند «الف» اکثر قطعنامه‌های شورای حکام بر تلاش‌های حرفه‌ای، مستقل و بی‌طرفانه آژانس تأکید می‌شود، اما شاهد عملکرد سیاسی، جانبدارانه و مغرضانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستیم. برای اثبات این ادعا کافی است تا رویکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نسبت به وضعیت‌های مشابه مانند حمله روسیه به تأسیسات هسته‌ای زاپوریژیا مقایسه شود (IAEA, 2022: paras.1; IAEA, 2023: paras.1; IAEA, 2024: paras.1). متأسفانه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در راستای ایفای نقش پشتیبانی و حفاظت از تأسیسات هسته‌ای حتی حاضر نشد که این تجاوز آشکار را محکوم کند. در بیانیه‌های مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نه تنها چنین محکومیتی دیده نمی‌شود (IAEA, 2025: para.3) بلکه ایران را به «خویشترداری حداکثری» دعوت کرد که

این دعوت مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به «خویش‌داری» مورد توجه نماینده فدراسیون روسیه قرار گرفت و در نشست اضطراری شورای امنیت در ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵، اظهار کرد که «دعوت از ایران برای خویش‌داری ریاکارانه است، گویی به‌جای اسرائیل و ایالات متحده آمریکا، این جمهوری اسلامی ایران است که اوضاع را تشدید می‌کند» (IAEA, 2022: paras.1). عدم واکنش مناسب و قدرتمند به جنایات رژیم صهیونیستی اسرائیل و ایالات متحده آمریکا از سوی جامعه بین‌المللی متشکل از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی (به‌ویژه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی)، ضعف‌های اساسی رژیم بین‌المللی حفاظت از تأسیسات هسته‌ای در چارچوب نظام جهانی عدم اشاعه هسته‌ای را آشکار و اثربخشی نظم بین‌المللی را در مورد امنیت هسته‌ای، با چالش‌های متعددی مواجه می‌کند. نظام عدم اشاعه و نظام امنیت هسته‌ای برای بقا و استمرار حیات باید بر پایه امنیت برابر، حاکمیت برابر و پاسخگویی برابر بنا شود. استثنائگرایی هسته‌ای^۱ و همان‌طور که «گینزبورگ» به‌درستی اشاره می‌کند سکوت جامعه بین‌المللی در مورد برنامه هسته‌ای غیر صلح‌آمیز اسرائیل و حساسیت فوق‌العاده به برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بسیار قابل تأمل است (Ginsburg, 2014: 85). در کنار این ضعف‌های نظام منع اشاعه، عملکرد نادرست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موجب تسریع تضعیف رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌شود. زیرا نظام منع اشاعه تا زمانی پایدار می‌ماند که امنیت برنامه هسته‌ای کشورهای عضو را تضمین کند. برای اثبات رویکرد سیاست‌زده، گزینشی و تبعیض‌آمیز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نسبت به جمهوری اسلامی ایران کافی است که گزارش مدیرکل پس از حمله به تأسیسات هسته‌ای بررسی شود (سعیدقادی، میرزمانی، طلوعی، ۱۴۰۴: ۲۸). در بند ۵ گزارش (۲۰۲۶) مدیرکل، بر اهمیت برقراری مجدد همکاری عادی بین ایران و آژانس به‌منظور تضمین رعایت توافقنامه پادمان‌های ان.پی.تی تأکید کرده و همچنین اظهار داشته که با توجه به تأثیر احتمالی قانون «الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» بر اجرای پادمان‌ها در ایران، دستیابی به توافقی جامع جهت همکاری عادی بین ایران و آژانس که بتواند رعایت ضوابط و دستورالعمل‌های هسته‌ای را تضمین کند، لازم و ضروری است. مدیرکل در انتهای بند ۵ گزارش تأکید کرده است که اجرای توافقنامه تحت هیچ شرایطی قابل تعلیق نیست (IAEA, 2026). مدیرکل در بند ۵ گزارش بر تأثیر احتمالی قانون «الزام دولت به تعلیق همکاری

1. Nuclear Exceptionalism.

با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» بر اجرای پادمان‌ها در ایران اشاره کرده است تا در بند ۵۵ به این نتیجه برسد که ایران باید به‌طور سازنده با آژانس تعامل داشته باشد (IAEA, 2026)، بدون اینکه از تأثیر قطعی گزارش‌های خود برای چارچوب‌سازی تهدید وجودی ایران برای جامعه بین‌المللی دولت‌ها سخنی به‌میان آورده باشد. در مسأله تجاوز به تأسیسات هسته‌ای آژانس از دو جهت دارای مسئولیت بین‌المللی می‌باشد (حدادی، ۱۴۰۵: ۱۵۸). از یک‌سو با قرار دادن اطلاعات فنی تأسیسات هسته‌ای در اختیار متجاوزگران تعهد به بی‌طرفی (براساس ماده III.B اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) و تعهد به محرمانگی (بر اساس ماده ۵ موافقتنامه پادمان میان آژانس و ایران ۱۹۷۳) را نقض کرده است (علوی‌شهری وحسینی اکبرنژاد، ۱۴۰۵: ۱۰۹). از سوی دیگر بعد از حمله به تأسیسات هسته‌ای تعهد به تنش‌زدایی و تلاش برای توقف حملات (مطابق بند پنجم قطعنامه ۴۴۴ مصوب ۱۹۸۵ و براساس سند شماره ۳۰ مصوب ۳۰ مه ۲۰۲۳) و تعهد به ارتقاء صلح و همکاری‌های بین‌المللی (براساس موافقتنامه سال ۱۹۵۷ آژانس با سازمان ملل و بند «ب» (۱) از ماده ۳ اساسنامه آژانس) را نقض کرده است. این در حالی است که مطابق ماده ۱۴ طرح مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC, 2011: 14) و نیز طرح تفسیری انجمن حقوق بین‌الملل (۲۰۰۴) هر سازمانی که یک دولت را در انجام فعل متخلفانه بین‌المللی مساعدت نماید، دارای مسئولیت خواهد بود (ILA, 2004: 200). برخلاف موازین مندرج در ماده III.B اساسنامه آژانس که بر اصل بی‌طرفی تأکید دارد، رویکرد آژانس در گزارش‌های اخیر (از جمله گزارش سال ۲۰۲۶)، به‌جای تمرکز بر صیانت از امنیت فیزیکی تأسیسات تحت نظارت، به سمت «چارچوب‌سازی تهدید^۱» حرکت کرده است. این اقدام فراتر از یک قصور ساده، به‌معنای مواجهه رژیم بین‌المللی عدم اشاعه با یک «بحران ساختاری» است.

نتیجه‌گیری

تفسیر غیرمنصفانه، یکجانبه و عاری از حسن نیت از یک معاهده نابرابر به‌دلیل تبعیض‌آمیز بودن و عدم توازن در حقوق و تعهدات و توسل روزافزون به یکجانبه‌گرایی و اقدامات نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای تحت دکترین عدم اشاعه، ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به اندک نظم ایجاد شده در چارچوب نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و نقض صریح اصول معاهده «ان.پی.تی» است.

1. Threat Framing.

شکل‌گیری رویه خطرناک اقدامات نظامی یکجانبه علیه تأسیسات هسته‌ای کشورهای غیرهسته‌ای اما مشتاق برای توسعه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای علاوه بر تضعیف رژیم جهانی عدم اشاعه هسته‌ای، موجب تضعیف هنجارهای بنیادین حقوق بین‌الملل از جمله منع توسل به زور و منع تجاوز شده و تأسیسات هسته‌ای را که از اهداف ممنوع نظامی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شوند به یک هدف مشروع نظامی تبدیل می‌کند. به عبارتی هر حمله‌ای به تأسیسات هسته‌ای این باور را که زیرساخت‌های هسته‌ای به‌ویژه تأسیسات غیرنظامی در مخاصمات نباید مورد هدف قرار بگیرند را تضعیف می‌کند. هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای در حین مخاصمات مسلحانه نقض صریح بند ۴ ماده ۵۶ پروتکل اول (۱۹۷۷) و ماده ۱۵ پروتکل دوم (۱۹۷۷) الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و قواعد ۸، ۶ و ۹، ۱۰۰۶ مجموعه قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه ۱۹۹۹ صلیب سرخ بوده و جنایات جنگی بشمار می‌رود که براساس مواد ۴۹ و ۵۰ کنوانسیون‌های ژنو، مرتکبان، آمران و عاملان این جنایات واجد مسئولیت کیفری بوده و دولت‌های عضو متعهد به تعقیب و محاکمه متهمان به نقض عمده کنوانسیون‌های ژنو می‌باشند. به علاوه به موجب ماده ۸(۲)(د) اساسنامه رم تخریب گسترده اموال، که با ضرورت نظامی توجیه نشده و به‌طور غیرقانونی و خودسرانه انجام شده باشد، جنایات جنگی بوده و دادگاه کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی دارد. اما انفعال و رفتار دوگانه کشورهای غربی در چکاندن ماشه شروع به تعقیب جنایات بین‌المللی توسط دیوان کیفری بین‌المللی یا اعمال اصل صلاحیت جهانی موجب استمرار چرخه حمله نظامی به اهداف غیرنظامی شده است.

پیشنهاد

سکوت جامعه بین‌المللی اعم از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی (آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شورای حکام و شورای امنیت)، در مورد برنامه هسته‌ای غیرصلح‌آمیز رژیم صهیونیستی و حساسیت فوق‌العاده به برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه گویای رویکرد دوگانه جامعه بین‌المللی در اجرای رژیم منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد، بلکه حمایت قدرت‌های جهانی از رژیم صهیونیستی موجب وقوع جنایات متعدد توسط این رژیم با همدستی آمریکا شده است. توسل روزافزون به حملات نظامی یکجانبه به تأسیسات هسته‌ای با استناد به «دکترین عدم گسترش» این ائده را تقویت می‌کند که حق بر انرژی هسته‌ای حقی محصور در دکترین امنیت هسته‌ای بوده و همواره با تهدیدهای مستمر و خطرات قریب‌الوقوع

حملات نظامی مواجهه است. لذا پیشنهاد می‌شود آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شورای حکام و شورای امنیت به‌عنوان نهادهای کلیدی که هرکدام در حوزه‌های مختلف و با روش‌های متفاوت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نقش دارند، به‌جای انفعال، سکوت یا جانبداری از رویه خطرناک حمله نظامی یکجانبه به تأسیسات هسته‌ای، تعهدات خود را در زمینه محکوم کردن متجاوزگران و اقدامات اجرایی لازم برای پاسخگو کردن آنها، از جمله تعقیب و محاکمه متهمان و مرتکبان، الزام به پرداخت غرامت کامل و جبران کلیه خسارات وارده، اتخاذ کنند تا مانع فروپاشی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شوند.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. آقایی، داود (۱۳۸۸). نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، تهران، سرای عدالت.
۲. بابایی، مجتبی (۱۳۹۴). «استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حق غنی‌سازی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ۹۲ (۷۹): ۳۳-۵۲.
۳. باوت، د. وی (۱۳۷۲). حقوق نهادهای بین‌المللی، ترجمه هومن اعرابی، تهران: اطلاعات.
۴. جویئر، دانیل (۱۳۹۷). برنامه هسته‌ای ایران و حقوق بین‌الملل از تقابل تا توافق، سیدحسین سادات میدانی (مترجم)، تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر.
۵. حدادی، مهدی (۱۴۰۵). اقدام متقابل علیه سازمان بین‌المللی: مشروعیت تعلیق همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مجله حقوق بین‌المللی، ۸۱ (۴۳): ۱۴۹-۱۷۸.
۶. حسن‌بیگی، ابراهیم و حسینی، محمدرضا (۱۳۹۳). «تحکیم حق غنی‌سازی جمهوری اسلامی ایران در پرتو حقوق بین‌الملل هسته‌ای»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱۰ (۱): ۷۵-۱۰۲.
۷. دبیری، فرهاد؛ معطر، فرامرز؛ برزویی، حسین (۱۳۸۶). «وضعیت حقوقی استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در ایران»، انسان و محیط‌زیست، ۵ (۱۶): ۹۶-۱۱۵.
۸. سعیدقادری، مرتضی؛ میرزمانی، امین؛ طلوعی، احسان (۱۴۰۴). تحلیل مسئولیت حقوقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پی حمله نظامی رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر گزارش مغرضانه گروسی، مجله قضائیه، ۸ (۲): ۸-۳۲.
۹. سلیمی‌ترکمانی، حجت (۱۳۹۷). «حق توسعه به مثابه حق بشری در گستره حقوق بین‌الملل».

انرژی»، مطالعات حقوق انرژی، ۴ (۸): ۴۰۵-۴۲۶.

۱۰. شفیعی‌بافتی، نگین (۱۳۹۲). «خط‌مشی قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری درباره دفاع

مشروع: با تأکید بر قضیه کنگو»، فصلنامه تعالی حقوق، ۶ (۱): ۱۵۲-۱۷۴.

۱۱. شناسایی، هدایت‌اله (۱۳۹۶). «حقّ مُسلّم هسته‌ای در حقوق بین‌الملل»، کنفرانس ملی

تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی.

۱۲. علوی‌شهری، سید محمدامین و حسینی اکبرنژاد، حوریه (۱۴۰۵). جنگ ۱۲ روزه و مساعدت

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ارتکاب تجاوز: تحلیلی ذیل ماده ۱۴ طرح مسئولیت

سازمان‌های بین‌المللی ۲۰۱۱، مجله حقوق بین‌المللی، ۸۱ (۴۳): ۹۵-۱۲۴.

۱۳. فن‌گلان، گرهارد (۱۳۸۹)، حقوق بین‌الملل عمومی ج ۱، ترجمه سید داود آقایی، تهران: میزان.

۱۴. کریستوفرسی، جوینر (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم، ترجمه عباس کدخدایی

و امیرساعت وکیل، تهران، نشر میزان.

۱۵. منتظری‌مقدم، رضا، کوچ‌نژاد، عباس، و رامین‌نیا، مژگان (۱۳۹۸). «ابعاد حقوقی انتقال فناوری

هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز در حقوق بین‌الملل». راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۸ (۳۲)، ۱۷۹-

۲۱۴.

۱۶. موسوی‌زنوز موسی، خزایی مهدی و سلیمانی حسن (۱۳۹۹). «بررسی نقش برنامه جامع اقدام

مشترک در عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی،

۱ (۶۵): ۶۱-۴۱.

۱۷. موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۹). حقوق سازمان‌های بین‌المللی: حقوق شورای امنیت، تهران: میزان.

ب) منابع خارجی

Books

18. Aust, H. P., (2024). Article 51, In Bruno Simma et al. (eds), The Charter of the United Nations: A Commentary, (Oxford: Oxford University Press, 4th edition), 1769-1820.
19. Baezner, M. (2017), "Patrice Robin, Hotspot Analysis: Stuxnet, Eidgenössische Technische Hochschule Zürich", Center for Security Studies, CSS, ETH Zürich Press.
20. Bowett, D. W. (2014), Self-Defense in Inter national Law. New York: The Lawbook Exchange, Ltd.
21. Henckaerts J-M., & Doswald-B. L. (2005). Customary International Humanitarian Law. Document source: International Committee of the Red Cross (ICRC), Volume I: Rules, Volume II. Practice (2 Parts), Cambridge University Press.
22. Krass, Allan S. (1983). Uranium Enrichment and Nuclear Weapon Proliferation,

Stockholm International Peace Research Institute, Solna, Sweden.

23. Sigal, L. V. (1998). *Disarming Strangers*. Princeton: Princeton University Press.
 24. Timmerman, K. R. (2005). *Countdown to Crisis: The Coming Nuclear Showdown with Iran*, New York: Crown Forum.
 25. Whitaker J. M. (2019). *Uranium Enrichment Plant Characteristics-A Training Manual for the IAEA*, Oak Ridge National Laboratory Oak Ridge, Approved for public release. Distribution is unlimited. ORNL/TM-2019/1311 ISPO-553.
 26. Bowett, D.W. (1958), *Self-Defence in International Law*, Manchester, Manchester University Press.
- Article
27. Albright D. and Hinderstein, C., "Iran, Player or Rogue?. *Bulletin of the Atomic Scientists*", Vol.1, no.59 (2003): 52-58.
 28. Anna Wendland, "Zaporizhzhia as a Symbol of Russia Attacks Ukrainian Modernity," *International Journals Osteuropa*, Vol.72, no.8 (2022): 135-152.
 29. Braut-Hegghammer Malfrid, "Revisiting Osirak: Preventive Attacks and Nuclear Proliferation Risks," *International Security*, Vol.36, no.1 (2011): 124-26.
 30. Byman Daniel L. and Waxman Matthew C., *Confronting Iraq: U.S. Policy and the Use of Force Since the Gulf War* (Santa Monica, California: RAND, 2000), 52.
 31. Carnahan Burrus M., "Protecting Nuclear Facilities From Military Attack: Prospects After the Gulf War," *The American Journal of International Law*, Vol.86, no.3 (1992): 524-541.
 32. Cigar Norman, *Did Iraq Expect a Nuclear Desert Storm? Deterrence, Paradigms, and Operational Culture in a Weapons of Mass Destruction Environment*, *War in History*, Vol.21, no. 3 (2014): 274-301.
 33. Damato Anthony, "Israeli Air Strike Upon The Iraqi Nuclear Reactor," *American Journal Of International Law*, Vol.77, no.3 (1983): 584-588.
 34. Dannenbaum Tom, "The Attack at The Zaporizhzhia Nuclear plant and Additional Protocol I," Available at: <https://lieber.westpoint.edu/attack-zaporizhzhia-nuclear-plant/> (Accessed: 30 July 2025).
 35. Dunn, Lewis A., "The Strategic Elimination of Nuclear Weapons: An Alternative Global Agenda for Nuclear Disarmament", *The Nonproliferation Review*, Vol. 24, no.5 (2019): 1-20.
 36. Fallows, J. (2004), "Will Iran Be Next?", *Atlantic Monthly*, Vol.1, no.1: 99-110.
 37. Farwell J. P. & Rohozinski, R., "Stuxnet and the Future of Cyber War", *Survival*, Vol.53, no.1 (2011): 23-40.
 38. Gowers W. T., "Israelis Air Strike on Syria's Al-kibar Facility A Test For The Doctrine of Preemptive self Defense," *Journal of Conflict and Security Law*, Vol.16, no.2 (2011): 263-291.
 39. Gross, Leo. "Self-Defense in International Law." *American Journal of International Law* 54, no.1 (1960): 199-220.
 40. Henckaerts J-M., & Doswald, B. L., "Chapter 13-Works and Installations Containing Dangerous Forces (Rule 42). Customary International Humanitarian Law, (2012): 139-142. DOI: <https://doi.org/10.1017/CBO9780511804700.017>.
 41. Joyner Daniel, "What if Iran withdraws. From the Nuclear Nonproliferation Treaty?: can they Do that?" *European Society of International Law Reflections*, Vol.1, no.5 (2012): 1-20.
 42. Kaminski, Mariusz Antoni, "Operation Olympic Games Cyber-Sabotage as a Tool of American Intelligence Aimed at Counteracting the Development of Iran's nuclear programme", *Security Defence*, Vol.2, no.29 (2020): 64-71.
 43. Lee, Manseok & Nacht Michael, *Challenges to the Nuclear Non-Proliferation Treaty*, *Strategic Studies Quarterly*, Vol.1, no.3 (2020): 95-120.

44. Ludovica Castelli & Olamide Samuel, Justifying attacks on nuclear facilities, *The Nonproliferation Review*, Vol.30, no.3 (2023):83-105.
 45. Mallison W. Thomas and Mallison Sally V., "The Israeli Aerial Attack Of June 7 1981 Upon The Iraqi Nuclear Reactor: Aggression or Self-Defense?," *Vanderbilt Law Review*, Vol.15, no.3(1982): 417-448.
 46. Novotna Marianna & Handrlica Jakub, "Playing With Fire at The Zaporizhzhia Nuclear Power Plant and the Challenges for International Nuclear Law in Central Europe," *Bratislava Law Review*, Vol.8, no.2 (2024): 57-74.
 47. Ramberg Bennett, "Military Sabotage of Nuclear Facilities: The Implications," *Annual Review Energy*, Vol.10, no. 1 (1985): 495-514.
 48. Reiter Dan, "Preventive Attacks Against Nuclear Programs and the 'Success' at Osiraq," *Nonproliferation Review*, Vol.2, no.12 (2005): 355-371.
 49. Sajo-Bohus L., Lopez Miguel Castro-Colin J. A., Historical Perspective of a Nuclear Power Plant at Risk in a War Zone, *Suplemento de la Revista Mexicana de Física*, Vol.4, no.1 (2025): 1-10.
 50. Schachter Oscar. "Self-Defense and the Rule of Law." *American Journal of International Law*, Vol.83, no.2 (1989): 240-260.
 51. Tamsett Jeremy, "The Israeli Bombing of Osiraq Reconsidered: Successful Counterproliferation?," *Nonproliferation Review*, Vol.11, no.1 (2004): 70-85.
 52. Vandenbroucke Lucien S., "The Israeli Strike Against Osiraq," *Air University Review*, Vol.35, 1 (1984): 35-47.
 53. Jennings, R.Y., "The Caroline and Mcleod Cases". *American Journal of International Law*, Vol.3, 1 No 32 (1938): 80-100.
 54. Tamar Malz Ginsburg, Too Early to Eulogize The Nuclear Nonproliferation Regime. *The Nuclear Nonproliferation Regime at a Crossroads*, Emily B. Landau and Azriel Bermant, Editors, The Institute for National Security Studies (Washington, D.C: INSS Press, 2014), 85-97.
- Document
55. CPPNM, (1980), The 1980 Convention on the Physical Protection Of Nuclear Material, IAEA, VIENNA, 1982, STI/PUB/615, ISBN 9 2-0-1 7 6 0 8 2-5.
 56. EC, (2010). European Council Decision 2010/212/CFSP, Relating to the position of the European Union for the 2010 Review Conference of the Parties to the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, *Official Journal of the European Union*, L 90/8, of 29 March.
 57. EP, (2006). European Parliament Resolution on the Confrontation Between Iran and the International Community, 52006IP0060, *Official Journal* 290 E, 29/11/2006 P. 0145-0148, P6_TA(2006)0060.
 58. GC REP, (1984). protection of nuclear installations devoted to peaceful purposes against armed attacks, Report by the Director General, GC(XXVIII)/721.
 59. GC RES, (1983). protection of nuclear installations devoted to peaceful purposes against armed attacks, Resolution adopted during the 256th plenary meeting on 14 October 1983, (GC(XXVII)/700.
 60. GC RES, (1984), Consequences Of The Israeli Military Attack on The Iraqi Nuclear Research Reactor and the Standing Threat to Repeat this Attack. General Conference, Twenty-eighth regular session Agenda item 1, GC(XXVIII)/RES/425. <https://www.iaea.org>.
 61. GC RES, (1985), Prohibition of Nuclear Installations Devoted Peaceful Purposes against Armed Attacks. GC(XXIX)/RES/444. <https://www.iaea.org>.
 62. GC RES, (1988), Prohibition Of All Armed Attacks Against Nuclear Installations Devoted to Peaceful Purposes Whether Under Construction or Operations.

- GC(XXXII)/845. <https://www.iaea.org>.
63. GC RES, (1990), Measures to Strengthen International Co-operation in Matters Relating to Nuclear Safety and Radiological Protection. Resolution adopted during the 332nd plenary meeting on 21 September 1990, GC(XXXIV) RES/533. <https://www.iaea.org>.
 64. GC, (2009), Prohibition of Armed Attack or Threat of Attack against Nuclear installations. during operation or under construction (GC(53)/1/Add.2 and GC(53)/20), Plenary, Record of the Eleventh Meeting, Held at Headquarters, Vienna,, on Friday, 18 September 2009, at 4.30 p.m. GC(53)/OR.11. <https://www.iaea.org>.
 65. IAEA, (2006), Fundamental safety principles: safety fundamentals, Vienna: International Atomic Energy Agency, 24 cm, (IAEA safety standards series, ISSN 1020-525X; No. SF-1, STI/PUB/1273.
 66. IAEA, (2014), Commissioning for Nuclear Power Plants, IAEA Safety Standards Series No. SSG-28, IAEA, Vienna.
 67. IAEA, (2016), Safety of Nuclear Power Plants: Commissioning and Operation, IAEA Safety Standards Series No. SSR-2/2 (Rev.1), IAEA, Vienna.
 68. IAEA, (2025). NPT Safeguards Agreement With The Islamic Republic Of Iran. Resolution adopted on 12 June 2025 during the 1769th session, Item 6(f) of the adopted agenda (GOV/2025/36): (d). <https://www.iaea.org>.
 69. IAEA, Military Attack on Iraqi Nuclear Research Centre and Its Implications for the Agency, IAEA, GC(XXV)/RES/381, October 19, 1981.
 70. IAEA, Nuclear Safety, Security and Safeguards in Ukraine IAEA, Nuclear Safety, Security and Safeguards in Ukraine. Report by the Director General, GOV/2022/52, 9 September 2022, para.2. <https://www.iaea.org>.
 71. IAEA (1985). Prohibition Of Nuclear Installations Devoted Peaceful Purposes against Armed Attacks. International Atomic Energy Agency in Austria, IAEA, GC(XXIX)/RES/444. para.6.
 72. IAEA (2022). The Safety, Security and Safeguards Implications Of The Situation in Ukraine. Board of Governors resolution GOV/2022/71 (2022), Resolution adopted on 17 November during the 1655th session, para.8.
 73. IAEA (2022). The Safety, Security and Safeguards Implications Of The Situation in Ukraine. Board of Governors resolution GOV/2022/17, Resolution adopted on 3 March 2022 during the 1613th session, adopted on 17 November 2022, para.1.
 74. IAEA (2022). The Safety, Security and Safeguards Implications Of The Situation in Ukraine. Board of Governors resolution GOV/2024/51, Resolution adopted on 12 July 2024 during the 1728th session, para.1.
 75. IAEA (2022). The Safety, Security and Safeguards Implications Of The Situation in Ukraine. Board of Governors resolution GOV/2024/18, Resolution adopted on 7 March 2024 during the 1713th session, para.1.
 76. IAEA (2023). Nuclear Safety, Security and Safeguards in Ukraine. Resolution adopted on 28 September 2023 during the tenth plenary meeting, GC(67)/RES/16. para.3.
 77. IAEA (2024). Nuclear Safety, Security and Safeguards in Ukraine. Resolution adopted on 20 September 2024 during the tenth plenary meeting, GC(68)/RES/15. para.2.
 78. IAEA, (2025). Director General Grossi's Statement to UNSC on Situation in Iran, Update on Developments in Iran, IAEA Director General, 49/2025, (2025).

Vienna, Austria.

79. IAEA (2026). Implementation of the NPT Safeguards Agreement and Relevant Provisions of the United Nations Security Council resolutions in the Islamic Republic of Iran, GOV/2026/8, Report by the Director General.
80. ILA (2004). Report of the Seventy-first Conference Held in Berlin, 16-21 August, 2004, Publisher: International Law Association, Berlin.
81. ILC (2011). Draft Articles on Responsibility of International Organizations (ARIO).
82. UN. SC (2025). United States Bombing of Iran's Nuclear Facilities Marks 'Perilous Turn' in Volatile Middle East, Secretary-General Warns Security Council during Emergency Meeting, 9941ST MEETING (PM), SC/16095, 22 June 2025.
83. UN. SC (2025). United States Mission to the United Nations: Homepage, Ambassador Dorothy Shea Acting Representative of the United States to the United Nations, S/2025/426.
84. ICRC, (1956), Draft Rules For The Limitation of the Dangers Incurred by the Civilian Population in Time of War. drafted by the International Committee of the Red Cross, September 1956, submitted to governments for their consideration on behalf of the 19th International Conference of the Red Cross, New Delhi, 28 October-7 November, Res. XIII, Article 17.
85. ICSANT (2005), International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism, M2005/01, New York, UNITED NATIONS.
86. ILA, (2020), Resolution 5/2020, The Committee on Nuclear Weapons, Non-proliferation & Contemporary International Law, The 79th Kyoto Conference of the International Law Association, held online, 29 November-13 December 2020.
87. ILC, (1996), Draft Code of Crimes Against The Peace and Security Of Mankind, Adopted by the International Law Commission, Reprinted in Report of the International Law Commission on the work of its forty-eighth session, 6 May-26 July 1996, UN Doc. A/51/10, Article 20(b)(iii).
88. IPU, Advancing nuclear non-proliferation and disarmament, and securing the entry into force of the Comprehensive Nuclear-Test-Ban Treaty: The role of parliaments, Resolution adopted by consensus by the 120th IPU Assembly (Addis Ababa, 10 April 2009).
89. IPU, The Announcement by the Democratic People's Republic of Korea of its nuclear Weapons test and the Strengthening of the Nuclear non-proliferation Regime, Resolution adopted by 897 votes for, 33 against and 240 abstentions by the 115th IPU Assembly (Geneva, 18 October 2006), IPU Document No 25 (115th IPU Assembly) Circulated in the 61st Session of the General Assembly, in Accordance With Resolution A/57/47.
90. NPT, (1968), Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, Date of entry into force: 5 March 1970, document INFCIRC/140, United Nations, New York.
91. OECD, (2025), Uranium 2024: Resources, Production and Demand NEA, No. 7683, The Nuclear Energy Agency (NEA) Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD).
92. Report by the Director General, (2025). NPT Safeguards Agreement With The Islamic Republic of Iran, GOV/2025/25, Item 7 (f) of the provisional agenda (GOV/2025/23 and Add.1). Report by the Director General (2025): para.29. <https://www.iaea.org>.
93. The Statute of the IAEA (1956), Statute of the International Atomic Energy

Agency, done at New York October 26, 1956, Entered into force July 29, 1957.

94. UN GA Res, (1946). Resolution of the General Assembly on the Atomic Energy Commission, Resolution 1(I), November 4, 1948, International Organization, Volume 3, Issue 1, pp.211
95. UN. SC (2025). Security Council during Emergency Meeting, Meetings Coverage and Press Releases, 9941ST MEETING (PM), (22 June 2025) SC/16095.
96. UN. SC, (1981), Resolution 487, adopted by the Security Council at its 2288th meeting, on 19 June 1981, S/RES/487(1981) New York: UN, 19 June 1981. <https://press.un.org>.
97. UN. SC, (2024). Maintenance of peace and Security of Ukraine, United Nations S/PV.9526, Security Council, Seventy-ninth year 9526th meeting, Wednesday, 10 January 2024, 10 a.m. New York. <https://press.un.org>.
98. UN, (2000), NPT/CONF.2000/28 (Part IV), Final Document of the 2000 Review Conference of the Parties to the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons: Final Document, Volume I, Part I, Review of the operation of the Treaty, taking into account the decisions and the resolution adopted by the 1995 Review and Extension Conference, United Nations, New York.
99. WHO, (1956). Resolution EB17.R57 of the Executive Board of the World Health Organization, Using nuclear energy for peace, Man.Res.3a ed., 1.2.1, (21a session, 31 January 1956).